

1-866-980-9977

122 w.15th st.North Vancouver.BC.Canada

صرافی سلامت
www.salamat.ca

ارسال دلار به ایران و بالعکس - سریع و قابل اطمینان

STIEGLER, INC. اتو استیگلر با ۵۰ سال سابقه
فروشنده بیشترین اتومبیل های مدرن در جامعه ایرانی



Jhon JR Stiegler
خوشحال است عرضه کننده بهترین سرویس و خدمات بعد از فروش به مشتریان ایرانی باشد

(818) 788-0234
16721 Ventura Blvd, Encino

از انتشارات ایران چاپ



عصر امروز

Tel: (818) 783-0000 www.asreemrooz.com

GENESIS

اولین، باتجربه ترین، غیر قابل رقابتترین مرکز پذیرائی از سالمندان

در جنسیس هیچکس پیر نیست

همراه با صرف صبحانه و نهار با ورزش، تفریحات سالم، موزیک و شادی، مراقبت های پزشکی، یوگا، یک نیک، کلاس انگلیسی، کامپیوتر و دهها نوع برنامه سرگرم کننده دیگر

رایگان تلفن اطلاعات ۷۴۷۵-۳۴۹-(۸۱۸) FREE

Vol 17, No:3942, Tue 05 July 2005 Tel: (818) 783-0000 Fax: (818) 783-3679 Email: info@asreemrooz.com (نشریه روزانه ایرانیان خارج از کشور) سال هفدهم - شماره ۳۹۴۲ سه شنبه چهاردهم تیر ۱۳۸۴

زندانی معروف سیاسی روز و رویارویی با رهبر رژیم!

رییس اطلاعات و امنیت نهاد رهبری دستور قتل اکبر گنجی را در زندان به دادستان انقلاب ابلاغ کرده بود

وزیر نفت کابینه خاتمی به انتقادات رییس جمهور جدید و جناح او پاسخ داد

توزیع درآمد نفت در سفره همه ایرانیان، یک شعار عوام فریبانه و زیانبار است

رستوران جوان

۱۱۵۰۰ سانتامونیکا بلوار
از چهارشنبه تا شنبه با پیانوی داریوش عباسی
دلیوری تا شعاع سه مایل مجانی

۵۵۵۵-۲۰۷-(۳۱۰)
www.javanRestaurant.com

یک دانشجویی از مشاجره با یک مقام دانشگاهی اقدام به خودسوزی کرد

این دانشجویی به بالا منبع آب رفت و پس از به آتش کشیدن خود به پایین سقوط کرد

چهره های سرشناس جناح اصلاحات و مشاوران خاتمی حضور احمدی نژاد را در گروگانگیری تکذیب کردند

رییس جمهور جدید از هسته مرکزی دانشجویان پیرو خط امام و اشغالگران سفارت امریکا نبود

برای زیباتر شدن با آرایشی باارزشی در مرکز جراحی زیبایی دکتر جورج بوریس تماس بگیرید

جراحی زیبایی بینی - کشیدن پوست صورت - برداشتن خطوط صورت - عمل پلک های چشم - کوچک و بزرگ کردن سینه بوتاکس و کالوژن - گذاشتن چانه و گونه - تمامی تآک - برطرف کردن مشکل خرخر - لایپوساکشن و شکل دادن به اندام

Tel: 1-800-893-7788

کلبه سبز

با مدیریت جدید

رستوران کلبه سبز

رستوران خانوادگی شما

همراه با کیفیتترین رستوران کلبه سبز انواع غذاهای ایرانی را با اطمینان خاطر نوش جان کنید

۲۰۰۲۲ و نتور ایوار
بین کوربین و وینتکا در شهر وودلند هیلز ۸۸۱۵-۸۸۸-(۸۱۸) تلفن

شبهای تهران

پذیرائی هفت روز هفته

شنبه - جمعه - شنبه و یکشنبه شبها همراه با هنرمندانی که دوستشان دارید

آرتور به همراهی ارکستر فریدون جدیدنا، ویلن، بوزونهای و ضرب و تیمبوزاجمال

بهرام فروهر پروانه سید کریم

16101 Ventura Blvd Encino Plaza
(818) 905-7774

دکتر رضا کلانتری نژاد

متخصص و جراح چشم

اگر بیش از چهار سال دارید برای خواندن عینک میزنید من می توانم با انجام عمل مدرن و جدید Light Touch Ck با استفاده از امواج رادیویی و بدون برش روی قرنیه با استفاده از لیزر پیر چشمی شما را فقط در چند ثانیه اصلاح نمایم و جوانی را به چشمهای شما بازگردانم

پشتوانه من تجربه صدها جراحی موفق است که تاکنون انجام داده ام برای مشاوره رایگان و تعیین وقت با مطب من در انستیتو تماس بگیرید

Tel: (818) 380 - 9193
888-88EYE MD
16661 Ventura Blvd # 608

دکتر حسین اشراقی

استاد دانشگاه تهران و دانشگاه UCLA

دارای بورده تخصصی از آمریکا

تشخیصی و درمان:

پولیپ و سرطان روده بزرگ، زخم معده و اثنی عشر دردهای شکم، بواسیر، بیماریهای کبد و کیسه صفرا اندوسکوپی معده و روده

(۸۱۸) ۵۰۰-۷۰۷۰

ثریا رسمی نماینده بیمه

ارائه مناسبترین نرخ های بیمه : سلامتی - دندان - عمر - اتومبیل - تجاری - منزل و زلزله و نیز بیمه افراد ۶۵ سال به بالا

۱۴۴۴ - ۶۰۰ (۳۱۰) ۷۳۱-۸۱۸۳ (۸۱۸)

رستوران شمال

برنامه آخر هفته با موزیک زنده (صدای جمشید و رقص عربی و قاسم آبادی) هاشب هفته با داریوش نوازنده کیبورد

میرزا قاسمی - باقالاتوق - کباب ترش - کله کباب زیتون پرورده و بلدرچین و کباب اوزون برون کباب کوبیده، کباب سلطانی، کباب برگ، جوجه کباب، ماهی و انواع خورشت ها

از ۲شنبه تا جمعه نهار مخصوص ۶/۹۹
کیتربنگ و دلیوری تا ۴ مایل مجانی
19548 Ventura Blvd, Tarzana CA 91356
Tel: (818) 609-9988

دیشی و رسیور ماهواره

مخصوص تلویزیونهای ۲۴ ساعته ایرانی

فقط ۱۶۰ دلار

(۸۱۸) ۲۸۸-۰۸۳۲

رستوران شیراز

پنج شبانه شب ها پزیمان باقری خواننده و نوازنده سازهای ایرانی با صدای گرم و دلنشین شادی بخشی شما و مهمانان عزیزتان خواهد بود

15470-2 Ventura Blvd
(818) 789-7788
دلیوری مجانی تا شعاع ۲ مایل

سیاست «دشت سوخته» از دو طرف!

مقام جان ما، تیز باشد و قوی، می توانیم بوی باروت، بوی دود و بوی ایتالیا، دم و دستگاه دوران بازنشستگی پدر را آماده کرده است، اما خامنه ای و اطرافیانش و جانیان حاکم بر ایران نه فرصت فرار پیدا می کنند و نه کسی به آنها پناهندگی می دهد و نه قادرند تمامی عمر پنهان شوند.

این سرنوشت مخوم را بیش از همه، خود آنها می دانند. ولی کدام انسانی است که در اوج قدرت پذیرای حقیقت تلخ باشد؟! با این همه، آنها دارند به گونه ای عمل می کنند که بعد از آنها، از ایران ما فقط دشت سوخته ای باقی بماند. می خواهند به مردم نگویند بخت اسیر، اینگونه وانمود کنند که اگر ما نباشیم، ایران هم نخواهد بود. می خواهند در برابر فکر و اندیشه والای ایرانی، چو ایران نباشد، تن من میاد، فکر شوم و مذموم، چو من نباشم، ایران مباد را جا بیندازند!

این چنین است که این روزها، اگر مدام ناپلئون آنقدر در مسکو به انتظار حمله مدافعان باقیماند تا سرانجام به دلیل نبود «آذوقه کافی» تصمیم به بازگشت گرفت. حالا فقط زمستان نبود که به لشکریان خسته و روحیه باخته فرانسوی ها حمله می برد، بلکه شب هنگام، همان دشمنانی که انتظارشان را می کشید و نمی یافت، جان سربازان او را در تاریکی می گرفتند!

از آن روزگار، آنچه که در روسیه گذشت نه فقط به عنوان یک استراتژی جنگی که همانگونه که عرض کردم به عنوان یک «کاربرد سیاسی» نیز مورد بهره های دوطرفه (!) قرار گرفت.

این را گفتم تا وقتی می نویسم که جمهوری اسلامی به نظر می رسد که «سیاست دشت سوخته» را در پیش گرفته، خوانندگان ارجمند ما متوجه باشند که از چه نوع سیاستی سخن می گویم.

سرن جمهوری اسلامی، با آنچه جانیانی که در ایران و در جهان انجام دادند، دیگر قادر نیستند به گوشه ای بگریزند و پناهگاهی بجویند. اینرا قبلا هم به طرق مختلف گفته ام. شاید در آغاز به «هاشمی رفسنجانی» برای بالا کشیدن امپراطوری مالی او، «پناهی» بدهند، شاید مثلا خاتمی بتواند

کفت: من راه درازی در پیش دارم تا این گریه را به شهر برسانم و در بین راه من باید به این زبان بسته آب و غذا بدهم، اگر ممکن است آن کاسه کهنه و قدیمی ای را که در گوشه این حیاط افتاده به من بدهید تا در آن برای این گریه در راه غذا و آب بریزم.

روستایی جوابداد: این کاسه را من به هیچ کس و به هیچ قیمتی نمی دهم. مرد انگلیسی گفت: آقای عزیز من دو هزار پوند داده ام و از شما این گریه را خریدم ام، یک کاسه قدیمی فکسنی که ارزشی ندارد، چرا آن را به من نمی دهی؟! مرد روستایی به مرد انگلیسی گفت: آقا جان، من به خاطر این کاسه تا به حال بیست گریه به شما انگلیسی ها فروخته ام! می خواهی این کاسه را به همین سا دگی از دست بدهی؟! ● ● ●

این داستان را تعریف کردم که بگویم برخی از به اصطلاح روشنفکران و اقتصاددانان ما را اجنبی ها راحت تر می توانند گول بزنند تا آن مردمی را که با چنگ و دندان از سرزمین باستانی خود حفاظت می کنند!

یک خبرنگار آمریکایی که همراه یک راهنما در تهران حرکت می کرد تا از حال و روز مردم گزارش تهیه کند، در برابر مسجد صف طولی دید، لذا از راهنمای خود پرسید: این مردم در مقابل مسجد چه می کنند؟ - آمده اند غذا بگیرند و ناهار بخورند. ● اگر مردم در مسجد غذا می خورند، پس کجا به عبادت می پردازند؟ - در دانشگاه تهران! ● اگر در دانشگاه به نماز می ایستند، پس استادان و دانشجویان کجا می روند؟ - به زندان. ● اگر استادان و دانشجویان زنداند، پس بزه کاران و جنایتکاران کجا هستند؟ - فکر می کنی چه کسانی دولت جمهوری اسلامی را اداره می کنند؟

مقام جان ما، تیز باشد و قوی، می توانیم بوی باروت، بوی دود و بوی ایتالیا، دم و دستگاه دوران بازنشستگی پدر را آماده کرده است، اما خامنه ای و اطرافیانش و جانیان حاکم بر ایران نه فرصت فرار پیدا می کنند و نه کسی به آنها پناهندگی می دهد و نه قادرند تمامی عمر پنهان شوند.

این سرنوشت مخوم را بیش از همه، خود آنها می دانند. ولی کدام انسانی است که در اوج قدرت پذیرای حقیقت تلخ باشد؟! با این همه، آنها دارند به گونه ای عمل می کنند که بعد از آنها، از ایران ما فقط دشت سوخته ای باقی بماند. می خواهند به مردم نگویند بخت اسیر، اینگونه وانمود کنند که اگر ما نباشیم، ایران هم نخواهد بود. می خواهند در برابر فکر و اندیشه والای ایرانی، چو ایران نباشد، تن من میاد، فکر شوم و مذموم، چو من نباشم، ایران مباد را جا بیندازند!

این چنین است که این روزها، اگر مدام ناپلئون آنقدر در مسکو به انتظار حمله مدافعان باقیماند تا سرانجام به دلیل نبود «آذوقه کافی» تصمیم به بازگشت گرفت. حالا فقط زمستان نبود که به لشکریان خسته و روحیه باخته فرانسوی ها حمله می برد، بلکه شب هنگام، همان دشمنانی که انتظارشان را می کشید و نمی یافت، جان سربازان او را در تاریکی می گرفتند!

از آن روزگار، آنچه که در روسیه گذشت نه فقط به عنوان یک استراتژی جنگی که همانگونه که عرض کردم به عنوان یک «کاربرد سیاسی» نیز مورد بهره های دوطرفه (!) قرار گرفت.

این را گفتم تا وقتی می نویسم که جمهوری اسلامی به نظر می رسد که «سیاست دشت سوخته» را در پیش گرفته، خوانندگان ارجمند ما متوجه باشند که از چه نوع سیاستی سخن می گویم.

سرن جمهوری اسلامی، با آنچه جانیانی که در ایران و در جهان انجام دادند، دیگر قادر نیستند به گوشه ای بگریزند و پناهگاهی بجویند. اینرا قبلا هم به طرق مختلف گفته ام. شاید در آغاز به «هاشمی رفسنجانی» برای بالا کشیدن امپراطوری مالی او، «پناهی» بدهند، شاید مثلا خاتمی بتواند

کفت: من راه درازی در پیش دارم تا این گریه را به شهر برسانم و در بین راه من باید به این زبان بسته آب و غذا بدهم، اگر ممکن است آن کاسه کهنه و قدیمی ای را که در گوشه این حیاط افتاده به من بدهید تا در آن برای این گریه در راه غذا و آب بریزم.

روستایی جوابداد: این کاسه را من به هیچ کس و به هیچ قیمتی نمی دهم. مرد انگلیسی گفت: آقای عزیز من دو هزار پوند داده ام و از شما این گریه را خریدم ام، یک کاسه قدیمی فکسنی که ارزشی ندارد، چرا آن را به من نمی دهی؟! مرد روستایی به مرد انگلیسی گفت: آقا جان، من به خاطر این کاسه تا به حال بیست گریه به شما انگلیسی ها فروخته ام! می خواهی این کاسه را به همین سا دگی از دست بدهی؟! ● ● ●

این داستان را تعریف کردم که بگویم برخی از به اصطلاح روشنفکران و اقتصاددانان ما را اجنبی ها راحت تر می توانند گول بزنند تا آن مردمی را که با چنگ و دندان از سرزمین باستانی خود حفاظت می کنند!



اصطلاح «دشت سوخته» بعد از حمله ناپلئون نیاپارت به روسیه، ابتدا در محاورات نظامی و سپس در دنیای سیاست، کاربرد پیدا کرد. وقتی که ناپلئون به روسیه حمله کرد و تا قلب مسکو رفت، با هیچ مقاومتی روبرو نشد. پیش رویش تا قلب مسکو، مزارع سوخته، پل های ویران شده، ساختمان های به آتش کشیده، بود و بس...

ناپلئون آنقدر در مسکو به انتظار حمله مدافعان باقیماند تا سرانجام به دلیل نبود «آذوقه کافی» تصمیم به بازگشت گرفت. حالا فقط زمستان نبود که به لشکریان خسته و روحیه باخته فرانسوی ها حمله می برد، بلکه شب هنگام، همان دشمنانی که انتظارشان را می کشید و نمی یافت، جان سربازان او را در تاریکی می گرفتند!

از آن روزگار، آنچه که در روسیه گذشت نه فقط به عنوان یک استراتژی جنگی که همانگونه که عرض کردم به عنوان یک «کاربرد سیاسی» نیز مورد بهره های دوطرفه (!) قرار گرفت.

این را گفتم تا وقتی می نویسم که جمهوری اسلامی به نظر می رسد که «سیاست دشت سوخته» را در پیش گرفته، خوانندگان ارجمند ما متوجه باشند که از چه نوع سیاستی سخن می گویم. سرن جمهوری اسلامی، با آنچه جانیانی که در ایران و در جهان انجام دادند، دیگر قادر نیستند به گوشه ای بگریزند و پناهگاهی بجویند. اینرا قبلا هم به طرق مختلف گفته ام. شاید در آغاز به «هاشمی رفسنجانی» برای بالا کشیدن امپراطوری مالی او، «پناهی» بدهند، شاید مثلا خاتمی بتواند

محمد عاصمی - مونیخ

کهنه عجز!

خیمه شب بازی این کهنه عجز روز را شب کند و شب را روز جیله ها در پس هر جیله، قطار حقه ها بر سر هر حقه، سوار با سر انگشت نخوست بارش کرده ای تازه دهد در کارش گاه، بازیچه ای انگشتانش خاتمی گردد و همدستانش گاه هم اکبر رفسنجانی میخورده «بازی» از این «روحانی» وین دو تن جاهل سرمست غرور خاکسان حرم و عاقل زور ماله انداز پروروی قبیله سینه خیزان سر سوی قبیله ملتی را به ستم کرده اسپر «امتی» ساخته از خلق دلیر سر زنجیر خیاخت در دست خلق بنشاند به زندان در دست حالیا «آچمز» این بازی زشت نه ره دوزخ و نه راه بهشت نوکری تازه نفس در راه است شیخ را هم نفس و همراه است بله قربان، بله قربان گوید گرد سرداری «سلطان» روید دین و ایمان و وطن بی کم و کاست بعد از این، یک سره دست «آقا» ست ● ● ●

ای تو بازیچه ای این کهنه عجز! ای وطن! ای همه درد و همه سوز! ای فدای تو همه جان و تم سر و جان برخی راه وطن کی به خود آئی و با خود آئی؟ زین شب تیره، رهی گشائی؟

صدها میلیارد دلار درآمد نفتی ایران از زمان خمینی تا دوران خامنه ای چپاول شده، به بیگانگان بخشیدند، به حساب های خارجی ریخته شده است

در حالی که رهبر برای آنها گریه کرده بود! در همین حال هاشمی رفسنجانی هم حرکت دانشجویان را هیاهوی مشت «سوسول» و بچه ساواکی ها نامید و خیال رهبر بابت این دو راحت شد و فقط مانده بود «مصطفی معین» وزیر علوم که رهبر گوش خوابانده بود چه جور او را کثفت کند و دیدیم که پوست موز حکم حکومتی را برای گنجاندن نام وی در لیست کاندیداها را صادر کرد و همه مشارکتی ها، ملی ها و ملی نماها و تتمه چه های گروهک ها و توابین - به طمع این که خاتمی توانسته در آخرین لحظه رهبر را میجاب کند که «معین» را جانشین خود نماید- سر از پا نشناخته این بنده خدا را وادار کردند که پایش را روی پوست موز هدایایی رهبر بگذارد و لبز بخورد و برود آنجا که عرب نی انداخت!

اما داشتمیز از شانس کی رهبر دوباره به هاشمی رفسنجانی اعطا کرده بود، می گفتیم البته نه بابت این که گوشه ای از آن «آلودگی و کثافت» انتخابات را مطرح کند. شنیدیم که که اکبر مصلحت در خطبه نماز جمعه باز صغری و کبری بابت «تخریب» چهره خود و خانواده اش وسط کشید، آن هم بابت «پول خواری» و به قول مردم «چپاول» و انکار چندین باره ایشان و تاکید به این که او پیش از انقلاب هم ثروتمند بوده و آن زمان بیشتر از حالا پول و پله داشته و همه را در راه انقلاب، حکومت انقلاب خرج کرده است و از آن موقع نذارتروشه است!

آنهاهی که این آخوند دوتومانی را می شناسند هنوز به یاد دارند که شیخ اکبر معمولاً به روزه خوان و معروف متوسل می شد که او را هم به عنوان «پدک» با خود به روزه خوانی ها حمل کنند که در مجلس عزاداری و فاصله چای دادن به جماعت، او در پله های پائینی منبر و یا صندلی بنشیند و به اصطلاح تلویزیونی ها یک «نیم تحفه نظنر» (احمدی نژاد) را انتخاب کرد و در اصل انتخاب هاشمی رفسنجانی به هیچ وجه مطرح نبود! آن یکی «معین...» که دیگر صل علی! فقط مانده بود که «آقا» یک کف گرگی به پیشانی ایشان بزند که دلش خنک شود!

گویا رهبر معظم بابت الم شنگه کوی دانشگاه و حمله به خوابگاه دانشجویان و تهدید به استعفا ی وزیر علوم، نه دلشان از «مصطفی معین» دلچرکین بود و یک نیمچه بغضی هم بابت اعتراض نامبرده داشت در مورد حمله لباس شخصی ها (که حالا معلوم شده لا ت و لوت نهاد رهبری هستند و وجوه فرمانده آنها هم آقا مجتبی خامنه ای، داماد حداد عادل).

آن زمان پس از جنبش دانشجویی از سوی ریاست جمهوری، سید محمد خاتمی آنها را «مشتی ارادال و اوباش» خواند

حرفهای روز



از: عباس پهلوان
تلفن مستقیم سردبیر
۲۸۴۹-۷۸۳ (۸۱۸)

خطبه دفاعیه و توبه نامه اکبر مصلحت!

لا بد شنیدید که شیخ اکبر رفسنجانی گویا از شکایت به دادگاه عدل الهی «انصراف» داد و شکوائیه خود را در مراسم نمایشی سیاسی و غیرعبادی نماز جمعه عنوان کرد، آن هم نه در آن حدی که روز اعلام نتیجه انتخابات- انکار نشاد به نامبرده تزویق کرده اند که یکپوش صد ذرخ پرید و آتشی شد و انتخابات ریاست جمهوری را تقلبی، آلوده، صندوق پر کردن! خواند- بلکه به اختصار گفت که تخلفاتی در آن شده است. اما رهبر معظم یک شانس دیگر به ایشان داد که نقش خود را در انتخابات «اصلاح» کند و رفسنجانی نیز عنوان کرد که حضور او صرفاً به خاطر تشویق عده بیشتری از مردم برای حضور در حوزه های رای گیری بوده است:

چون قضا آید طیب ابله شود/ وان دوا در نفع هم قمره شود. یعنی به قول حضرت امامشان «خداعه» زند! وگر نه در حقیقت مالک اصلی انتخابات حضرت آقا بوده است که میان طاق و جفت نداختن میان «سرداران سپاه» این تحفه نظنر (احمدی نژاد) را انتخاب کرد و در اصل انتخاب هاشمی رفسنجانی به هیچ وجه مطرح نبود! آن یکی «معین...» که دیگر صل علی! فقط مانده بود که «آقا» یک کف گرگی به پیشانی ایشان بزند که دلش خنک شود!

گویا رهبر معظم بابت الم شنگه کوی دانشگاه و حمله به خوابگاه دانشجویان و تهدید به استعفا ی وزیر علوم، نه دلشان از «مصطفی معین» دلچرکین بود و یک نیمچه بغضی هم بابت اعتراض نامبرده داشت در مورد حمله لباس شخصی ها (که حالا معلوم شده لا ت و لوت نهاد رهبری هستند و وجوه فرمانده آنها هم آقا مجتبی خامنه ای، داماد حداد عادل).

آن زمان پس از جنبش دانشجویی از سوی ریاست جمهوری، سید محمد خاتمی آنها را «مشتی ارادال و اوباش» خواند



مدیر: هایون هوشیار نژاد سردبیر: عباس پهلوان
Tel: (818) 783-0000 Fax: (818) 783-3679
IRANIAN PUBLISHING INC. ASRE EMROOZ.com
16661 Ventura Blvd#212 Encino, CA 91436
Tel: (818) 783-0000 Fax: (818) 783-3679 www.asreemrooz.com

گذری و نظری

مصاحبه!

یک خبرنگار آمریکایی که همراه یک راهنما در تهران حرکت می کرد تا از حال و روز مردم گزارش تهیه کند، در برابر مسجد صف طولی دید، لذا از راهنمای خود پرسید: این مردم در مقابل مسجد چه می کنند؟ - آمده اند غذا بگیرند و ناهار بخورند. ● اگر مردم در مسجد غذا می خورند، پس کجا به عبادت می پردازند؟ - در دانشگاه تهران! ● اگر در دانشگاه به نماز می ایستند، پس استادان و دانشجویان کجا می روند؟ - به زندان. ● اگر استادان و دانشجویان زنداند، پس بزه کاران و جنایتکاران کجا هستند؟ - فکر می کنی چه کسانی دولت جمهوری اسلامی را اداره می کنند؟

وودلند هیلز مارکت

آب انارصاف	۳۲۰Z	۳۰۹۹ دلار
خیارشور یک یک	۲۳۰Z	۱/۹۹ دلار
آبمیوی طبیعی اعلا	۱۴۰۵Z	۱/۷۹ دلار

سبب پینک لیدی	پاندی	۴۹ سنت
زردآلو	پاندی	۶۹ سنت
پیازچه و ترنجبه	بسته ای	۱۰ سنت
سبب کالا	پاندی	۹۹ سنت

لگ کوآتر	پاندی	۵۹ سنت
کوبیده مرغ	پاندی	۳۹ دلار
فیله مینیون	پاندی	۵۰۴۹ دلار
لم شلدنر	پاندی	۲۰۷۹ دلار

کالباس آرزومان مارآدلا	پاندی	۴۰۷۹ دلار
پنیر بلغار	پاندی	۲۰۷۹ دلار
ماست موسیر	پاندی	۲۰۹۹ دلار

رستوران
کباب کوبیده، دوسپخ ووجه کباب یک سیخ
سشیش کباب (چنجه)
سبزی پلو با ماهی سفید(دو تکه)
(شامل نان و رحان و گوجه فرنگی و لیمو ترش)
هر روز یک غذای مخصوص شامل لویابلو، زرشک پلو با مرغ، آبآلو پلو و باقالی پلو با ماهیچه فقط ۵۰۹۹ دلار انواع خورشت ها ۶/۹۹
سالادها- ماست خیاز- ماست اسفناج- ماست موسیر- ماست خیار یونانی با ماست چکیده
کیتزینگ پذیرفته میشودبا منقل ذغالی ۹ صبح تا ۹ شب
ساعات کاری : یکشنبه ها ۹ صبح تا ۹ شب
بقیه روزها ۸ بامداد تا ۹ شب
آدرس : ۱۹۹۶۴ وتورا بلوار در شهر وودلند هیلز
۸۱۸-۹۹۹-۴۴۷۷

یادداشت‌های بی‌تاریخ



دست شما بدهم و چهار گروه عمده را که در کار حدس و گمان بودند و حالا که روزنامه به دستتان می‌رسد شکل و شمایل آن روشنتر شده است، بهتر تصویر کنم.

با تجربه های بی علم:

این دسته کسانی هستند که عمری در کار سیاست، روزنامه نگاری، حزب بازی و دسته سازی گذرانیده اند و تجربه ای اندوخته اند بی آنکه علمی پشتوانه آن تجربه باشد. تحلیل اینان از رویدادهایی که در شرف وقوع است، مبتنی بر تجربیاتی است که ای بسا در روزگاران گذشته ارزش های خود را داشته و اینک به روزگار ما حتی به کار استدلال و یا بهره برداری نمی آید و جزء قصه های دلنشین امیراسلان و حسین گرد قابل شنیدن است آنهم در ایام بیکاری و هوس اتلاف وقت. در بین این گروه خود این بنده را می توان مثال زد که اگر خدای نکرده بخواهم پیش بینی و پیشگویی کنم شما حتی دارید بفرمایید با تجربه بی علم، برو یاد بگیر بعد حرف بزنی!

علمای بی تجربه:

علمای بی تجربه به گروه عظیم و گسترده ای از دانشمندان جوان و استادان معظم دانشگاه ها و کالج های رنگارنگ اطلاق می شود که در یک اطاق سه در چهارپشت یک میز نامنظم آشفته و پر از کاغذ و کتاب و به کمک حضرت بارتعالی کامپیوتر سریع العمل مرتب با تکه ها بازی می کنند، از این سایت به آن سایت می روند، نکته های برجسته هر مطلب را به خیال خود استخراج می کنند و با سریش هزار اما... و مگر... و چرا... و چند و چون به هم می چسباند تا برای شرکت در یک جلسه مشاوره مخصوص که تصمیمات در آن از پیش گرفته شده و حضرات را به عنوان زینت المجالس دعوت کرده اند حاضر شوند اظهار لجه ای بکنند، حق القدمی دریافت دارند و برگی بر کتاچه C.V خود بیفزایند و دهان عوام ا لانس را با کلمات و عبارات قلعه از تعجب باز نگه دارند. علم بی تجربه و بی عمل این آقایان فقط به کار خندیدن می خورد!

باتجربه های عالم:

آه که چقدر تعداد اینها اندک است و چه تک افتادگان تنهایی هستند. اینها مردان کاردریده و در کوره تجربه پخته شده ای هستند که به کاری که می کنند آگاهند، مرتب درباره آن می خوانند، در اظهار نظرهایشان شتاب زده نیستند، رمالی و جن گیری نمی دانند و تسلیم هیاهوی روز نمی شوند. عقیده خود را حتی به قیمت سنگسار بیرحمانه اکثریت اظهار می دارند و گاه اتفاق می افتد که سال ها بعد مردمی به خود آمده حرف حساب آنها را می فهمند و بر علم و تجربه آنها توجیه تحسین می گذارند ولی چه سود که آن «مروحم» در آن هنگام هفت کفن پوسانده و علم و تجربه اش به تاریخ پیوسته است.

بی تجربه های بی علم:

اینها گروه بزرگی را تشکیل می دهند که به مویزی گرمیشان می شود و به غوره ای بروت مزاج پیدا می کنند. اینها تا باد بر پرچم اصلاحات می وزد اصلاحگرا هستند و تا موج انقلاب می رسد انقلابی؛ در بجزوه حکومت چکمه، چکمه می لیسند و در اوج قدرت نفلین، لولنگ آب می کنند؛ کلمات و عباراتشان داغ داغ است و چنان سرشار از بقیقن که تو در چهار راه جستجوی حقیقت، یک مرتبه ناخوaste و نادانسته به خیابان «فلت قدم» می گذاری و با هوچی بازی آنها فرضا به همان کس رای می دهی که تا دیروز فکر کرده ای ناصالح ترین آدم است. این اکثریت قلم روزنامه نگاری در دست دارند، با میکروفن رادیو حرکت می کنند، با دوربین تلویزیون برای تو راه را از چاه باز

بقیعه در صفحه ۴

غزل روز

غلامرضا قدسی

کجا صبح سعادت بر سر ما پرتو افشاند؟

ز دامان چمن بوی بهاری بر نمی خیزد

از این گلشن نوای مرغزاری بر نمی خیزد

خوشا روزی که من خاک بیابان عدم گردم

کز این صحرای ناپیدا غباری بر نمی خیزد

چنان از سرد مهری های او افسرده شد جانم

که آتش گر شوم از من شراری بر نمی خیزد

کجا صبح سعادت بر سر ما پرتو افشاند

که آمی از دل شب زنده داری بر نمی خیزد

خدایا از چه بنیان ستم ویران نمی گردد

مگر سبلی ز چشم اشکباری بر نمی خیزد

دل افسرده یی تا نشکند آرام نشینم

نسیمی همچون من در روزگاری بر نمی خیزد

جز از شهر جنون "قدسی" مجو فرهاد مجنون را

صدای آشنا از هر دیاری بر نمی خیزد

دکتر صدرالدین الهی

تاریکی بزرگ: خاموشی نور دیده!

در یادداشتی که چند هفته پیش چاپ کردم خانم سیمین بهبهانی نوشته بود: «شعر دیگری هم حسب حال همراه کردم». و این شعر حسب الحال مرا به یکباره دگرگون کرد. وقتی اهل خواندن، نوشتن، قلم به دست گرفتن باشی می توانی حدس بزنی که خاموشی نور دیده چه تاریکی بزرگی بر دل می نوازد. در این شعر سیمین خانم شرح می دهد که چگونه هر روز صبح از خانه بیرون می رود و روزنامه های خود را به امید آنکه دیگری برایش بخواند می گیرد. «دست و روزنامه» حکایت دلگیری های زنی است که خواندن عشق بزرگ اوست. در سال های پیش در نزدیکی شهری که من زندگی می کردم صادق چوبک هم به همین گرفتاری دچار بود. او یک روز به من گفت: «الهی! من هیچ وقت رابطه چشم و چراغ را نفهمیده بودم. وقتی می گفتند یا می خواندم که فلانی چشم و چراغ ماست فکر می کردم چه رابطه ای میان چشم و چراغ و آدم وجود دارد اما حالا می بینم که نمی بینم، می فهمم که چشم چراغ است و آن (و او) وسطی زیادی است.»

چشم تیر بین شگرفم، قهر کرده با در و دیوار
در نگاه نافذ زرقم، چاه ویل کشته پدیدار
در به روی پاشنه چرخان، ناله می کند به گمانم
پا به کوچی می نهی اما، کوچی آه می کشد انگار

می روم خموش و پریشان، در هراس از این که بیفتم
پیش روزنامه فروشی، نیست چشم و هست خریدار
می خرم که چی؟ که زمانی، دیگری برایم بخواند
می خرم به عادت دیرین، شاد ازین توانی و تکرار
می برم به خانه به نرمی، آن چنان که لطمه نبیند
منظر طلوع نظرها، مجمع تجلی افکار
می گذارم از سر حسرت، روی ده شماره پیشین،
جمله بی نوازش چشمی، غرق انتظار مددکار

باز صبح روشن فردا، پیش روزنامه فروشی
عشق می کند و نوازش، دست و روزنامه دگر بار...

فروردین ۸۴ - سیمین بهبهانی جهات اربعه و انتخاباتی که گذشت!

نمی دانم این اصطلاح قدیمی را به خاطر دارید یا نه؟ در کتاب های درسی ما گفته می شد که اگر رو به شمال بایستیم و دو دست را بکشایم دست راست مشرق است و دست چپ مغرب و پشت سرمان جنوب است، و به این تعریف جهات چهارگانه یا جهات اربعه می گفتند. در سر و صدای انتخابات ریاست جمهوری، بنده به یاد جهات اربعه افتادم به مظنه انواع اظهار لجه هایی که در این باب بود و مصر به این که قبله در همان جهتی است که او ایستاده است. این هفته به ذهنم رسید که یک تصویر از جهات اربعه انتخابات به

شعر معاصر

به مناسبت سالگرد
درگذشت زنده یاد حیدر
پهلوان شاعر معاصر
زمان
برای آنکه بمریم زمانه را کشتند
و بند بند مرا بر فراز عقربه ها
برای عبرت ایام
سایبان کردند.
برای آنکه بنیم جهان چشم را
به روی ماه و ستاره،
عجیب پرسندند
(لامپ های نئون) را
برای عابرها-
به جای ماه و ستاره
به تیر کویدند.
و شهر، شهر غریبی شد،
از توره و نور،
و عابران همه،
در حیرت از چنین شهری
شتاب کرده ز سرما و تند می رفتند

سهراب سهری
فریب زیست
جهان آلوده خواب است
فرو بسته است وحشت،
در به روی هر تپش، هر بانگ
چنان که من به روی خویش
در این خلوت،
که نقش دلپذیرش نیست
و دیوارش فرو می خواندم در
گوش
میان این همه انکار
چه پنهان رنگ ها دارد،
فریب زیست!
شب ز وحشت گرانباز است
جهان آلوده خواب است،
و من در وهم خود بیدار
چه دیگر طرح می ریزد،
فریب زیست
در این خلوت،
که حیرت نقش دیوار است؟

اله العالم
818-7887849
شما چه نازید!

واقعا از شما عصرآموزی ها
خوشم می آید. صمیمی، مبارز، با
صداقت، مردمی و ...
++ خوش به حال شادوماد!

روابط مخفیانه!

● چشمم کور پشه، اگه دروغ بگم
که شما سرتون به په جایی بنده!
++ هومنجایی که ایواش بلند!

هر چی مامان جونم میگه!

● مادرم سفارش کرده که دور
رسانه های سیاسی خط بکشم تا
آسوده خاطر زندگی کنم!
++ چه مامان با حال داری ها؟!
جه خیلالات شیرینی!؟

چه خیالات شیرینی!؟

● ایرانی های مقیم خارج با هم
قرار بگذارند که به ایران بروند و
لااقل صد هزار نفر در روز ۱۴ مرداد
و جنبش مشروطیت را در میدان
آزادی (آریامهر) جشن بگیرند.
++ یعنی خیال می کنید اگر چنین
قراری باشد در میان ۷۰ میلیون
ایرانی، صد هزار نفر پیدا نمی شوند
که چنین همتی از خودشان نشان
دهند؟!
مبارزه ادامه دارد!

● با انتخاب رئیس جمهور جدید،
چهارسال خیلالتان از هرگونه تغییر
و تحولی در ایران راحت شد. حالا
مدتی هم روزنامه را با عشق و
سخن عشق منتشر کنید!
++ سر پیری و معرکه گیری!؟

برای ایرانم... حماسه خاک



دکتر محمد اسلامی
من از این خاک رویدم
دلم را، گل از این خاک است
می جان من از انگور این تاک است
چه پاک از کینه ها آلوده اش کردند
به اشک دیده، باید شست،
خاک پای ایران را
من آن را بارها با اشک هایم،
شستشو دادم.

● بر این خاک به اشک عاشقان شسته،
کیاهی را که خود رو،
در کنار چشمه آسند می روید،
نخستین برگ های بید مجنون را،
کنار باغ فروردین،
حضور سرخ خوین شقایق را،
که همچون آخگری با عمر بس کوتاه،
به روی سینه کهمار می تابد،
بهاران، چشمه هایی را که روزی چند
میان صخره های کوه می جوشد،
یکایک قطره ها را،
نغمه جوشیدن هر قطره ای را نیز،
چو جانم دوست می دارم.

● بسان « ذره ای رمضان میان نور»
به سوی « خلوت خورشید» می بردی
تو را هم دوست می دارم.

● تو ای سرینچه فرسوده رنجور
که زیر آسمان روشن کرمان
شبانگه آرزوهای طلایی
خواب می بینی
و فردا باز
ببای دار قالی صد هزاران گل
به روی تار و بود خام می ریزی
تو را هم دوست می دارم.

● کنون جان مسافر
عزم ملک سیستان دارد
ندارد توشه راهی، مگر یک آرزوی
خام
مهد پیر توس
بلور جام نیشابور را،
پر از فروغ باده اندیشه خیام
که در تاریکی تاریخ
بسان صبح زیبای خراسان است.
درد آن « جومه نارنجی» قوچان،
دشت حاصلخیز گرگان را،
تو را مازندران!

● ای سبز چون طبع منوچهری
تو رای مختل زیبای شالیزار،
سر بر دامن جنگل
تو را ای باغ سبز جای لاهیجان!
تو آذربایجان! ای مرزبان قیله زرتشت!
تو را ای پاسدار مین از دشمن!
تو را هم دوست می دارم.

● تو ای کولی! بلندای تت را،
پای چادرها به رضی آور
بزن قالی،
به من آن قصه ناگفته را وا گو.
تو کردستان! که مهد دلریایان
و دلبرانی
تو هم از ساکنان خانه غمگین این جانی.
لرستانی تو؟ دارم «سی تو» هم حرفی
و هم آزادگی را تا فراز کوه ها بردی
تو را هم دوست می دارم.

● خوزستان! تو ای کانون گرم گرمی و امید
بمان ای آتش عشق وطن! با من
تو ای شوش! ای کتاب بسته تاریخ!
تو را ای یکران آفتاب دشت!
تو را ای شهد باران نخل دشتستان!
تو را ای ساحل بوشهر!
تو را ای نغمه غمگین ماهیگیر!
چو جانم دوست می دارم.

● تو را ای دوست!
که «دامانت پر از گل بود
و سوی شهر می رفتی»،
و چون سعدی حدیثی از گلستان گفت
تو آن « دامان گل را ریختی،
آویختی در، دامن سعدی»
و می دانی بهار، آن سال
گلستانی به بار آورد کز باد خزان،
هیچ ییمی نیست
تو را هم دوست می دارم.

● تو هان! ای « پیرهن چاک غزلخوان!»
ای « صراحی بر کف سرمست خوی
کرده!»
که شب ها چون ز گلگشت مصلد،
باز می گشتی
کنار آب رکن آباد
به نرمی
سر فراکش لسان الغیب می بردی
که: « خوابت هست»؟
تو با آن « باده شبگیری»
غریب خسته از زهد ریایی را

● تو ای کولی! بلندای تت را،
پای چادرها به رضی آور
بزن قالی،
به من آن قصه ناگفته را وا گو.
تو کردستان! که مهد دلریایان
و دلبرانی
تو هم از ساکنان خانه غمگین این جانی.
لرستانی تو؟ دارم «سی تو» هم حرفی
و هم آزادگی را تا فراز کوه ها بردی
تو را هم دوست می دارم.

● خوزستان! تو ای کانون گرم گرمی و امید
بمان ای آتش عشق وطن! با من
تو ای شوش! ای کتاب بسته تاریخ!
تو را ای یکران آفتاب دشت!
تو را ای شهد باران نخل دشتستان!
تو را ای ساحل بوشهر!
تو را ای نغمه غمگین ماهیگیر!
چو جانم دوست می دارم.

● تو را ای دوست!
که «دامانت پر از گل بود
و سوی شهر می رفتی»،
و چون سعدی حدیثی از گلستان گفت
تو آن « دامان گل را ریختی،
آویختی در، دامن سعدی»
و می دانی بهار، آن سال
گلستانی به بار آورد کز باد خزان،
هیچ ییمی نیست
تو را هم دوست می دارم.

● تو هان! ای « پیرهن چاک غزلخوان!»
ای « صراحی بر کف سرمست خوی
کرده!»
که شب ها چون ز گلگشت مصلد،
باز می گشتی
کنار آب رکن آباد
به نرمی
سر فراکش لسان الغیب می بردی
که: « خوابت هست»؟
تو با آن « باده شبگیری»
غریب خسته از زهد ریایی را

● واژه هایی که در گیومه آمده، اشاره هایی
است به: سر آغاز شاهنامه- ترانه قوچانی-
گویش آذری- مقدمه گلستان و غزل خواجه
(زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و
مست)

یادداشتهای بی تاریخ



می نمایند، در (وب لاگ) ها اشتباهات خود را به صورت یقین عرضه می دارند و در کمال بی تجربگی و نادانی بر دل و جان تو مسلط می شوند؛ و بیچاره تو...

آن کسی که نداند، و نداند که نداند!

این چهار گروه را که معرفی کردم بی اختیار به یاد چهار بیت از انوری ایبوردی افتادم که از اعماق قرون، پنداری حرف های مرا پیشاپیش گفته است. این طبقه بندی انوری از هر جهت خواندنی است:

- آنکس که بداند و بداند که بداند اسب شرف از گنبد گردون بچاند
- و آنکس که بداند و نداند که بداند بیدارش نماید که بس خفته نماند
- آنکس که نداند و بداند که نداند لنگان خرک خویش به منزل برساند
- و آنکس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابدالدهر بماند

استاد، برو کشتک را بساب!

یک فکس طولانی و مطمئن از تهران برای این بنده فرستاده شده است با امضای یک استاد دانشگاه که نمی دانم تحقیر است یا تهدید و نویسنده محترم چرا این حقیر کمتر از قطمیر را به این سختی و درشتی مورد عتاب قرار داده است؟ دیدم انصاف نیست که خوانندگان این یادداشت ها از آن بی خبر بمانند. آقای دکتر محمدعلی سلماپور که فکس را امضا کرده اند خود را استاد حکمت و معارف اسلامی در دانشگاه های ایران معرفی نموده اند - بدون آنکه نام ببرند کدام دانشگاه - و چنین مرقوم فرموده اند. (البته فکس مفصل ایشان را خلاصه کرده ام چون شرف داشتیم ولی جا داشتیم).

چندی پیش دو تن از دانشجویان در کلاس درس من نسخه چاپ شده و برگرفته از اینترنت چند هفته از مقالات سرکار مستطاب عالی را برای استقضا و کسب نظر به ایجاب دادند و متذکر شدند که این نوشته ها در روزنامه کیهان لندن معلوم الحال به چاپ می رسد و از من خواستند که چند شماره دیگر از یادداشت های جنابعالی را بخوانم و نظرم را به استحضار آنها برسانم.

این کار انجام شد و من به "یادداشت های بی تاریخ" طی چندین هفته توجه کردم. این فکس را در حالی خطاب به شما می نویسم که وظیفه دینی و شرعی من امر به معروف را جز وظایف اولیه هر مسلمان می داند.

آقای الهی، در تمام مقالات شما نوعی خصومت با اسلام و آل محمد به چشم می خورد به نحوی که اگر نام و نام خانوادگی شما رنگ و بویی از اسلام نداشت فکر می کردم صدر بی دینان عالم هستید. اطلاعاتی که در به اصلاح یادداشت های خود به خوانندگان خویش که شاید جوانان بی خبری هستند می دهید، حکایت از عناد شخصی شما با جمهوری اسلامی ایران و نهادهای تربیتی آن دارد. بنده نمی دانم چه کسی پای شما را به روزنامه خودفروخته کیهان باز کرده است، اما می توانم بگویم که اگر مجاهدت استادان متعهد و مؤمن دانشگاه ها نبود و هشیاری بیرون راه امام جلو انحرافات را نمی گرفت، باز هم همان آش و همان کاسه قبل از انقلاب برپا می شد و دانشگاه به مرکز کفر و فحشا مبدل می گردید. در یکی از یادداشت های خود افسوس بر از میان رفتن شیر و خورشید سرخ خورده بودید. آقای نامسلمان چه عیبی دارد که مسلمانان جهان زیر هلال احمر متحد شوند و شیر و خورشیدی را که نشانه استیلای گبران بر فرهنگ اسلامی بوده است از صفحه تاریخ محو سازند؟

من و بسیاری از استادان و دانشجویان به اینکه حزب الهی هستیم افتخار می



کنیم و هدفمان پاک ساختن جامعه مسلمان ایران از افکار و اعتقادات کفرآمیز است. آقای محترم، ما در طول بیش از یک ربع قرن کوهی از علم و دانش و آگاهی های مفید در دانشگاه های ایران ساخته ایم که وجود شما حتی به اندازه گاهی در برابر آن نیست و در این عرصه سیمرخ مگسانی چون شما فقط عرض خودمی برود و اسباب زحمت ما می شوند. بنده کمترین حاضریم در هر جای دنیا در برابر یک جمعیت عادل با سرکار مباحثه کنم و خواهید دید که حاصل این مباحثه اسباب جاری شدن حد الهی در حق مردی است که مدعی است پدرانش حکمت الهی درس می داده اند).

خواندن این فکس دور و دراز مرا وادار کرد که حکایتی از کتاب بالینی خود (که بار دیگر هم به آن اشاره کرده بودم) بیاورم با این تذکر که نقل این حکایت العیاذبالله ... العیاذ بالله هفت قرآن در میان هیچ ربط و شباهتی میان بنده و آن شیخ به وجود نمی آورد هر چند ممکن است که آقای دکتر محمدعلی سلماپور از اخلاف امام بلتسم قشیری قدس الله روحه العزیز باشند.

حکایت شیخ ما و استاد!؟

در آن وقت که شیخ ما ابوسعید قدس الله روحه العزیز به نیشابور شد مدت یک سال استاد بلقسم قشیری قدس الله روحه العزیز شیخ ما را ندید و او را منکر بود و هر چه شیخ را رفتی پیامدندی و با استاد امام گفتندی و هر چه استاد امام را رفتی، همچنان با شیخ ما باز گفتندی و استاد امام بلقسم به هر وقت -از راه انکاری که در خاطر او بود- در حق شیخ ما کلمه ای گفتی و خبر با شیخ آوردندی و شیخ هیچ نگفتی.

روزی بر زبان استاد امام برفت که: «بیش از آن نیست که بوسعید حق را سبحانه و تعالی دوست می دارد و حق سبحانه و تعالی ما را دوست می دارد، فرق چندین است که در این راه ما پیلی ایم و بوسعید پشه ای!»

این خبر به شیخ ما آوردند. شیخ آن کس را گفت: «برو به نزدیک استاد شو و بگو که آن پشه هم تویی، ما هیچ چیز نیستیم».

بیابنه نویسندگان، روزنامه نگاران و دست اندرکاران رسانه های همگانی ایرانی

فراخوانی در خیابان ها به مناسبت روز ۱۸ تیر سالگرد جنبش دانشجویی و همدردی با زندانیان سیاسی

به خواست دانشجویان سرافراز، اما دربند ایرانی، به خواست جوانان اسیر در حصار بلند رژیم قرون وسطائی، به خواست ملت رفح کشیده ایران پاسخ مثبت می دهیم!

ما تحریم کنندگان نمایش قلابی انتخابات، این بار از مردم شریف ایران دعوت می کنیم به مناسبت روز ۱۸ تیر، روز جنبش دانشجویی و روز قتل عام دانشجویان، برای نشان دادن همدردی خود با این مبارزان راه آزادی، از خانه ها بیرون بیایند و در خیابان ها باقی بمانند و با ایجاد راه پندان در خیابان ها و پیاده روها، شهرها و حکومت را به سکون بکشانند، سکونی که نشانه بلندترین فریاد آزادیخواهانه ملت ایران است... فریادی که با این حرکت در جهان طنین افکن خواهد شد...

به خواست دانشجویان داخل کشور، شما هم پاسخ مثبت دهید و به مناسبت سالگرد ۱۸ تیر (بعد از ظهر روز جمعه ۱۷ تیر) با بیرون آمدن از خانه ها و اجتماع در خیابان ها، اعتراضی ساکت، اما عمیق و اثرگذار را در جهان بی اعتنا به مسؤلیت انسانی به نمایش بگذارید.

تقدیم به استاد با ادعای دینداری!

ادعای مسلمانی استاد دکتر محمد علی سلماپور و آن همه فریاد و اسلاما که در فاکس خود سر داده بودند بنده را وادار کرد این سه بیت حکیم ابوالمجد مجدودین آدم سنایی را که در شکایت از مسلمانان سروده است بیاورم و به ادعاهای اسلامی آن آقا از زبان یک حکیم مسلمان پاسخ دهم.

مسلمانان! مسلمانان! مسلمانان!

از این آئین بی دینان پشیمانی پشیمانی

مسلمانی کنون اسمی است بر عرفی و عاداتی

دریفا کو مسلمانی دریفا کو مسلمانی

فرو شد آفتاب دین، برآمد روز بی دینان

کجا شد در "بودردا" و آن اسلام (مسلمانی) ۲ (۱) بودردا یا ابودردا از صحابه خاص پیامبر اسلام و به روایتی یکی از کردآوردندگان قرآن است و پیغمبر او را با لقب حکیم مخاطب قرار می داد. در روزگار خردسالی ما برای شفای بیماران صعب العلاج آتش می پختند که به "آتش ابودردا" معروف بود و در آن آتش آدمکی از خمیر ساخته می انداختند و او را در شفا بر گرداگرد دیگ می خواندند و معتقد بودند که شفاعت ابودردا موجب درمان بیمار خواهد شد.

(۲) از مشاهیر صحابه پیامبر اسلام است که در آغاز به اسلام خدمات بسیار کرد از جمله شایع است که حفر خندق را در غزوه خندق را او به مسلمانان آموخت. سلمان بعد از فتح مدائن حاکم این شهر مفتوحه شد و در همانجا درگذشت و در جایگاهی که امروز به "سلمان پاک" معروف است و در همین جریان جنگ های عراق چندین بار مورد حمله قرار گرفته، مدفون است. متمسوفه معتقدند که او از بنیانگذاران تصوف اسلامی است.

انتخاب صدف، انتخاب بهترین هاست

سبزی پلو



سبزی پلو

برنج های مخلوط آماده طبخ صدف

فقط در چند دقیقه

بدون نیاز به پاک کردن سبزی و عدس

عدس پلو



عدس پلو

و افتخار ما، اعتماد ۲۲ ساله شما به محصولات صدف بعنوان بهترین هاست

حرف های روز

برگزار شد و همه هزینه های پس از آن تا آتش زدن سینما رکس آبادان، تظاهرات خیابانی، پخش پول میان کارکنان موسسه اطلاعات و کیهان و ساخت بمب های دستی و نارنجک و کوکتل مولوتف و غیره را ، بازاریان از قماش عسکر اولادی و شرکا و حاج مانیان و هرندی می پرداختند و هیچ آخوندی- مگر تک و توکی خمس و زکوت بگیرهای قم آن هم از ترس خمینی- دست توی جیبش نمی کردند که پولی برای این جور چیزها بپردازند، چه برسد به اکبر هاشمی رفسنجانی که اصلا و ابدا او را قابل آدم نمی دانستند و در حد یک طلبه بود (بابت صورت بی مویی که داشت و خیلی قلمی و ترکه مانند) انگار بچه حجره ای ها...

بعد از این که ایران به وسیله سپاه آخوند و طلبه و با کمک متفقین (توده ای ، مجاهد، فدایی، جبهه ملی و جاسوسان خارجی) اشغال شد همه خزانه و پول و مملکت در دست "آقایان" بود و بعدها دانستیم که فقط رفسنجانی مشیر و مشاور روح اله خمینی است و در همان مدرسه رفته - آنجایی که آقا تمرگیده بود - دو سه چمدان پر از پول برای خرج های دم دستی حضرت امام وجود داشت.

وقتی قرار شد که حزب جمهوری اسلامی تشکیل بدهند و دار و دسته ای راه بیندازند، آخوندها گفتند پول لازم دارند و خمینی اشاره کرد و گفت از آن چمدان چهارصد هزار تومان (هزار تومان های سال ۱۳۵۷) بردارید و مشغول شوید...! (که مال وقف است و نیازی به دعاگو دارد)!

مقامات انقلابی با حقوق و مزایای کلان!

از اول انقلاب و حکومت آخوندی، رفسنجانی و آخوندهایی مثل او هیچ مشکل پولی برای زندگی نداشتند که از همان روز اول برای شورای انقلاب و سایر مشاغل حقوق کلان تعیین شد. رفسنجانی بعدها معاون وزارت کشور شد که حقوق مخفی داشت. بعد مشاغل عمده نامبرده روشن است که همه این مشاغل مانند وکالت، وزارت، ریاست مجلس، فرماندهی جنگ و بعد ریاست جمهوری و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه و همه حقوق دارد، حق سفره دارد، بودجه مجرمانه دارد و صد جور اختیارات مالی. بخصوص رفسنجانی در مقام ریاست جمهوری بدون اجازه مجلس حدود ۱۱۰ میلیارد دلار قرضه خارجی گرفت، قراردادهایی که با کمپانی ها منعقد می کرد دارای حق یک کمیسیون طبیعی به

رسم و رسوم خارجی ها- نه حتی باج سیبل- که در حد یک هدیه به طرف مقابل تعلق می گرفت. رفسنجانی در مقام فرمانده جنگ، از بازار سیاه اسلحه می خرید و چند لا پهنای هم می خرید آن هم از بودجه دولت، از ذخیره ارزی مملکت نه از جیب خودش و یا حساب های بانکی اش.

در این فاصله فرزندانش هم از ریختن و قیافه نانخور بافت، بیرون آمدند و خودشان پولساز شدند و حقوق بگیر حکومت و یکی از آنها در مقامی مثل مدیرعامل متروی تهران- که هاشمی رفسنجانی اصرار به احداث آن داشت- در واقع چند چاه ویل در زیر زمین های تهران به راه انداختند که به قول یکی از متخصصین: اگر ریل تمام مترو تهران از طلا بود، هزینه این چند صد کیلومتر مترو، این همه نمی شد.

رفسنجانی اگر به طور طبیعی بخشی از حقوق هایی که بابت سله و مقام هایش در این ۲۶ سال گرفته، کنار گذاشته باشد و به زخم هیچ کار و بار و کسبی نزنده باشد، سر به صدها میلیون دلار می زند. حالا ما کاری به چپاول های نفتی و غیر نفتی و دستبرد به خزانه مملکت و کش رفتن از خریدهای نظامی نداریم!

تا اینجای کار این ادعای نامبرده که هیچ ثروتی ندارد و حتی ثروت پیش از انقلابش را هم بابت حکومت اسلامی هزینه کرده ، حرف مفتی است. آشکارا دروغ است و این که می گوید اگر به نام من حسابی در بانک های داخلی و خارجی پیدا کردیم، مال خود کتنبدا یک نوع شیادی عامیانه است. خیلی از بانک های خارجی برای گشایش حساب فقط یک عدد رمز دارند و با یک کلید به آن کسی که حساب در بانک باز کرده است، می دهند. به غیر از این رفسنجانی می تواند به قدر نام برای خودش شناسنامه و گذرنامه رسمی بگیرد و با آنها در بانک های خارجی حساب باز کند و نه به نام شناسنامه ای خود یعنی: اکبر بهره مانی نوقی!

شوخی نیست بارها گفته ایم که در این ۲۷ سال هر سال بگیریم کم کمش، سالی ۳۵ میلیارد از فروش نفت و گاز و غیره درآمد نفتی داشته ایم که سر به حدود ۸۰۰-۹۰۰ میلیارد دلار- که بیشتر- می زند. ۸۰۰ تا ۹۰۰ میلیارد دلار، پول کمی نیست؛ با وجود خرج خورد و خوراک مردم سالی دو سه میلیارد خرید گوشت و برنج و گندم و غیره و یا هزینه جنگ، تو بگو در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار؟!... همینطور حقوق کارمندان، ولی باز هم ته این قضایا، سیصد و چهارصد میلیارد دلار می ماند که معلوم نیست کجاست؟ می دانیم میبایستی را دو دستی به اربابان نشان تقدیم کرده اند ، به تروریست ها به طور مرتب

دکتر اسفندیار اسفندیاری فرد

دارای بورس تخصصی در بیماری های داخلی از امریکا مطب مجهز به پیشرفته ترین تجهیزات برای تشخیص بیماری های قلبی، بیماری های ریوی ، اوتترا سوند و فیزیوتراپی

انسیئو - ساختمان ایرانیان پاپارکینگ رایگان

16661 Ventura Blvd # 515 Encino , Ca 91436
Tel : (818) - 990 4030

سوپر شایان

به واقع بازار تهران را برای شما تداعی میکند
۳۱۰-۳۷۵-۵۵۹۷
هاتون مارکت
اولین و بزرگترین فروشگاه ایرانی در جنوب لس آنجلس
(310)373 4448
24202 Hawthome Blvd,
Torrance, CA 90505

مستمری داده اند، لاید چند میلیارد دلار هم صرف ریختن پاش اسباب بازی تاسیسات اتمی شده است. نمی دانیم شاید چند میلیارد دلار هم به زخم خاک بر سری های دیگرشان زده اند (با این فقری که به مردم تحمیل کرده اند) طبیعی است که اکبر هاشمی رفسنجانی به عنوان مرد دوم زمان خمینی و مرد اول همه فوول حکومین آخوندی (حالا می گویند رهبر از شرش خلاص شده؟!) یکی از کسانی بوده است که از این همه ثروت مملکت برده و خورده، ضمن این که تنها او نیست. چندین آیت الله، چندین مهره گت و شلوارپوش جمهوری اسلامی، چندین سردار پاسدار، چندین و چند بازاری از این خوان یغما، میلیاردها و با صدها میلیون دلار به جیب زده اند. این سوی میلیاردرها تومانی رژیم هستند که دست دوم چپاولگران ایرانی.

اکبر هاشمی رفسنجانی اگر نمی خواست به دادگاه عدل الهی متوسل شود! و اگر در همین جمعه از منبر امام جمعه موقت دفاعیه مالی خود را قرائت نمی کرد و از متهم ساختن انتخابات تقلبی توبه نمی کرد، این بنده ابد قصد نداشت این حرف های تکراری را باز هم تکرار کند.

در بوستان حضرت اجل سعدی حکایت از ملکی از "پادشاهان شام" می کند که صبح زود با غلامش "به رسم عرب نیمه بر بسته روی" یعنی به طور (ناشناس) بیرون می آیند که گشتی در کوی و بازار بزنند و گذرشان به دو درویشی می افتد که در مسجدی خفته بودند.

دو درویش در مسجد خفته یافت پریشان دل و خاطر آشفته یافت شب سردشان دیده نابرده خواب چو جریا نامل کنند آفتاب مقصود اصلی بنده- که ربطی به مراجعه اکبر هاشمی رفسنجانی به دادگاه الهی در روز محشر پیدا می کند- آنجایی است که یکی از آن دو درویش شرط می کند و می گوید:

یکی زان دو می گفت با دیگری که هم روز محشر بود داوری گرین پادشاهان گردن فرافز که در لهو و عیشتن و با کام و ناز در آیند با عاجزان در بهشت من از گور سر بنگریم ز خشت

حالا اگر قرار باشد اکبر مصلحت هم آن روز در مجتمع قضایی ملکوت اعلی حضور پیدا کند، اصلا رفتن ده ها میلیون آدمی- که از زخم و حبله و شیادی ظلم و جور او و امامش و رهبرش و سایر عمله جات جمهوری اسلامی، ستم کشیده اند- مورد ندارد که آنها هم در روز محشر خودی نشان بدهند؟! به قول آن درویش اصلا نباید از گورشان بیرون بیایند در ردیف همه "پالون کج" ها قرار بگیرند که اکبر دزده یکی از عوامل قتل های زنجیره ای و مخالفان سیاسی رژیم در خارج و داخل هم در همان صف است و بسیاری چون او. حکایت اکبر هاشمی رفسنجانی و سایر دزدان و قاتل ها و ظالمان و چپاولگران و رفتن آنها به بارگاه

عدل الهی در روز محشر مانند جریانی است که "حاج میرزا نصرا لله ملک المتکلمین" در مورد "آقا نجفی" روحانی معروف اصفهان در کتاب "زویای صادق" نوشته به این مضمون:

"خواب دیدم صحرای محشر برپا شده آقای شیخ محمد تقی معروف به "آقا نجفی" را با همان بدن عنصری در حالی که بر خر سفیدی سوار است و جمعی... اطراف او را گرفته صلوات می فرستادند وارد صحرای محشر کردند. آقا نجفی با حالت بهت به اطراف نگاه می کند و از آخوندی که جلوی خرش را گرفته سؤال می کند: چه خبر است؟ ناگاه خطاب از مصدر جلال می رسد: ای شیخ محمد تقی؛ ما تو را در دنیا به مقام جانشینی پیغمبر برگزیدیم و احکام خود را به دست تو سپردیم و سعادت بندگان خود را که مواهب الهی هستند در کف تو نهادیم. از علم، ثروت، قدرت، صحت، ریاست، نفوذ کلمه، عمر طولانی و تمام آنچه بشر سعادت می نامند برخوردار کردیم و ترا مامور اجرای خطاب مبین (و احکام بین الناس بالعدل) قرار دادیم. چرا از وظیفه ای که پروردگار تو برای تو معین کرده بود، منحرف شدی؟

حکومت خودمختاری و ستمکاری را تقویت نمودی و با همدستی آنها به یغماگری و اندوختن مال پرداختی؛...

چرا پیروان آزادی و عدالت را، طبیعی مذهب و فاسق خواندی و ریختن خون آنها را مباح کردی؟... چرا برای بردن ملک (سید ماریینی) او را تکفیر کردی و خون آن سید پیرمرد بی گناه را ریختی و از خدا و خلق شرم نکردی؟ چرا دو برادر تاجر بدبخت را که طلب حقه خود را از تو مطالبه می کردند کافر و مشرک خواندی و آن بیچارگان را با وضع فجیع به کشتن دادی؟

به چه علت مامور وصول مالیات را که بنا به وظیفه ای که داشت مالیات دیوانی را از تو مطالبه می کرد و تو می خواستی هزارها خروار بدهی، خود را از قرار خوراری پنج قران تسعیر کنی و او زیر بار نرفت تکفیر کردی و حکم به بی دینی او دادی و آن مرد مظلوم و بیچاره را کشتی و خانواده ای را بی سرپرست نمودی؟

به کدام دلیل... کتاب "مثنوی" را که یکی از مفاخر ایران است با انبوه گرفته بیرون انداختی و نویسنده آن را گمراه و لامذهب خطاب کردی و خوانندگان آن کتاب مستطاب را طبیعی مذهب و مخالف اسلام قلمداد کردی؟

آقا نجفی که از گفته های خالق خود متعجب شده بود در حالی که انگشتانش را در میان ریش انبوه و حتا بسته خود فرو کرده بود رو به اطرافیان کرد و گفت: سر خر را به طرف دنیا برگردانید، این شخص هم (مقصودش خدا بود)، "پالونش کج شده" بی دین و لامذهب است و همان حرف هائی که چندی است بعضی زنادقه در دنیا می گویند، می گوید...!

دکتر طناز کاهن



جراح و متخصص زنان ، زایمان و نازایی از دانشگاه شیکاگو

کلیه سروس های پزشکی شامل آزمایش خون ، آزمایش پوکی استخوان و جراحی های سربایی در مطب انجام می شود
تلفن : ۶۷۷۵-۵۰۱ (۸۱۸)
آدرس : ونچورا بلوار ، سوئیت ۱۰۸۰

در دفتر ایام

آمد و حملات بی شرمانه ای که کیهان اشغال شده تهران به دولت بلژیک و مردم بلژیک کرد و سپس حمله مجلسیان انتصابی به دولت هلند به عنوان دولت «تقوا ستیز» قلمعا نشانه هایی است که سران هشت کشور صنعتی جهان را ناچار خواهد ساخت برای براندازی رژیم جنایان مسلط بر ایران، تصمیمات جدی را فراهم آورند.

از یاد نبریم که تصمیمات همین اجلاس گروه هشت در سال ۱۹۷۹ بود که منجر به برپاسازی و سازماندهی «انقلاب اسلامی» شد و به نظام پادشاهی در ایران خاتمه داد. بسیاری از رسانه های همگانی جهان و خبرگزاری ها، پنهان نمی دارند که سازمان مجاهدین خلق؛ پس از فروپاشی حکومت «صدام حسین» به خدمت آمریکا برای انجام عملیات ویژه در داخل خاک ایران، درآمده است.

همین دوماه قبل بود که نوشتیم: سفرهای پی در پی وزیر دفاع آمریکا به جمهوری کوچک آذربایجان، اندکی سؤال برانگیز است.

اینک پاسخ آن سؤالی را که دو ماه پیش صاحب این قلم مطرح کرد، سایت کانیدیای سپاه پاسداران، یعنی رضائی و بازتاب می دهد.

سایت بازتاب سرپاسدار رضائی رسماً و علناً می نویسد: «مگر از باکو تا تهران چقدر راه است؟! فرماندهی آمریکا برای کنترل اوضاع کامل است . حضور گسترده نظامیان آمریکا در عراق و آذربایجان بی نقص است...»

بنابراین فقط آمادگی افکار عمومی جهان، بخصوص آمریکائی ها لازم است که از هفته پیش این آمادگی سازی روانی هم با نمایش مجدد فیلم های گروگان گیری آغاز شده است؛ در چنین شرایطی است که «احمدی نژاد» رئیس جمهور تروریست و قاتل برگزیده رهبری، مشغول انتخاب مثلا اعضای کابینه خود است!

این کابینه باید تا اول شهریور ماه به مجلس معرفی شود تا به عنوان فریب مردم جهان و تظاهر به دموکراسی در ایران، اعضای مجلس انتصابی، به دولت انتصابی رای اعتماد بدهند! روز سیزدهم مرداد، یعنی درست یک روز مانده به سالروز انقلاب مشروطیتی که قرار بود «مشروعیت» را مدفون سازد، مراسم تحلیف رئیس جمهور انتصابی در مجلس برگزار می شود تا یک تودهنی تاریخی به بازماندگان انقلاب مشروطیت و قانون اساسی

استخدام

به چند جوان آشنا به کار کامپیوتر و سوییچینگ برای کار در تلویزیون ۲۴ساعته نیازمندیم
۵۴۵۲-۸۸۴-۸۱۸

استخدام

برای کادریک رستوران ایرانی در منطقه ولی و ویتروویترس نیازداریم
۹۹۸۸-۶۰۹-۸۱۸

آرایشگاه

علی
در ولی
۲۴۰۰-۳۴۴- (۸۱۸)

یادگار آن انقلاب بزنند! آن دسته از روشنفکران مزدور ایران که در داخل و خارج کشور، با انواع گربه رضائی ها می خواستند راه پیروزی رفسنجانی را هموار سازند، تنی چند دم در کشیده اند، تنی چند سرگردان مانده اند و یکی دو تن دیگر، باز هم در کمال پروونی برای این و آن «درود» و «تحسین» می فرستند و هورا می کشند و کف می زند که از این شکست نباید ترسید، باید برای مبارزه با احمدی نژاد، محکمتر ایستاد! چرا که هنوز امید دارند، رژیم ناچار شود برای سر و سامان دادن به اوضاع، دست به دامن رفسنجانی شود. کدام اوضاع؟! هنوز چیزی نشده، قیمت ها به طور سوزناز آوار بالا رفته است! یعنی احمدی نژاد وعده داد پول نفت را از جیب آقا زاده ها درآورد و در سفره مردم بگذارد و بازاریان همدست رژیم، با زرنگی وعده را عملی شده تلقی کردند و قیمت ها را بالا بردند تا از پولی که هنوز به سفره مردم نیامده سهم خودرا از دست دیگر برداشت کنند و به اربابان هم چه اوضاعی؟! هنوز خاتمی نرفته، زمزمه ها و پرده سازی ها را شروع کرده اند که خاتمی دو میلیون دلار به روزنامه نویس ها کمک کرده بود و آنها باید این دو میلیون دلار را به دولت برگردانند!

روزنامه خاتمی نرفته، زمزمه ها و پرده سازی ها را شروع کرده اند که خاتمی دو میلیون دلار به روزنامه نویس ها کمک کرده بود و آنها باید این دو میلیون دلار را به دولت برگردانند! چه اوضاعی؟! ماه پیش صاحب این قلم مطرح کرد، سایت کانیدیای سپاه پاسداران، یعنی رضائی و بازتاب می دهد. سایت بازتاب سرپاسدار رضائی رسماً و علناً می نویسد: «مگر از باکو تا تهران چقدر راه است؟! فرماندهی آمریکا برای کنترل اوضاع کامل است . حضور گسترده نظامیان آمریکا در عراق و آذربایجان بی نقص است...»

بنابراین فقط آمادگی افکار عمومی جهان، بخصوص آمریکائی ها لازم است که از هفته پیش این آمادگی سازی روانی هم با نمایش مجدد فیلم های گروگان گیری آغاز شده است؛ در چنین شرایطی است که «احمدی نژاد» رئیس جمهور تروریست و قاتل برگزیده رهبری، مشغول انتخاب مثلا اعضای کابینه خود است!

این کابینه باید تا اول شهریور ماه به مجلس معرفی شود تا به عنوان فریب مردم جهان و تظاهر به دموکراسی در ایران، اعضای مجلس انتصابی، به دولت انتصابی رای اعتماد بدهند! روز سیزدهم مرداد، یعنی درست یک روز مانده به سالروز انقلاب مشروطیتی که قرار بود «مشروعیت» را مدفون سازد، مراسم تحلیف رئیس جمهور انتصابی در مجلس برگزار می شود تا یک تودهنی تاریخی به بازماندگان انقلاب مشروطیت و قانون اساسی

بنابراین فقط آمادگی افکار عمومی جهان، بخصوص آمریکائی ها لازم است که از هفته پیش این آمادگی سازی روانی هم با نمایش مجدد فیلم های گروگان گیری آغاز شده است؛ در چنین شرایطی است که «احمدی نژاد» رئیس جمهور تروریست و قاتل برگزیده رهبری، مشغول انتخاب مثلا اعضای کابینه خود است!

این کابینه باید تا اول شهریور ماه به مجلس معرفی شود تا به عنوان فریب مردم جهان و تظاهر به دموکراسی در ایران، اعضای مجلس انتصابی، به دولت انتصابی رای اعتماد بدهند! روز سیزدهم مرداد، یعنی درست یک روز مانده به سالروز انقلاب مشروطیتی که قرار بود «مشروعیت» را مدفون سازد، مراسم تحلیف رئیس جمهور انتصابی در مجلس برگزار می شود تا یک تودهنی تاریخی به بازماندگان انقلاب مشروطیت و قانون اساسی

بنابراین فقط آمادگی افکار عمومی جهان، بخصوص آمریکائی ها لازم است که از هفته پیش این آمادگی سازی روانی هم با نمایش مجدد فیلم های گروگان گیری آغاز شده است؛ در چنین شرایطی است که «احمدی نژاد» رئیس جمهور تروریست و قاتل برگزیده رهبری، مشغول انتخاب مثلا اعضای کابینه خود است!

میشن رنج مارکت

فروشگاه گوشت، سبزیجات میوه تازه و دلی
آدرس: ۲۳۱۰۶ لس آلیسوس در شهر میشن ویوو
تلفن : ۵۸۷۹-۷۰۷ (۹۴۹)

رستوران هاتم

شماره یک
نیازداریم
۹۹۸۸-۶۰۹-۸۱۸

رستوران هاتم

میشن ویهو
تلفن : (949)768 0122
24000 Alicia Parkway, #28

مشرفه از ابای مطبوعات

غیرت بی خودی!

ماموران انتظامی از وقوع جنایتی در حیاط خانه ای قدیمی در خیابان مولوی در تهران اطلاع یافتند و با حضور در صحنه جنایت، مشاهده کردند زن جوانی به نام مهسا بر اثر اصابت دو ضربه چاقو به قتل رسیده است.

در زمان جنایت به جز متوکل و برادر شوهرش کسی در خانه حضور نداشته و احتمالا قاتل برادر شوهر وی به نام رجب بوده است.

ماموران پس از ۱۲ روز از وقوع قتل، او را در حالی که با دیدن ماموران قصد فرار داشت دستگیر کردند. ماموران پس از دستگیری متهم، به بازجویی از او پرداختند که وی به رغم انکار اولیه، لب به اعتراف گشود و راز قتل را فاش کرد و در دادگاه برای وی تقاضای اشد مجازات شد.

دادگاه از متهم به قتل خواست از خود دفاع کند. متهم به قتل با بیان این که از کاری که کرده است به شدت پشیمان است، گفت: متوکل، همسر برادرم بود. ما همگی در خانه پدری ام زندگی می کردیم.

او زن خوبی بود اما این اواخر کارهایی می کرد که شک مرا برانگیخته بود. او

برای خرید دو ساعت از خانه خارج می شد و وقتی علت را می پرسیدم مرا مسخره می کرد و جواب را نمی داد. زمانی که این موضوع را به برادرم می گفتم، او هم حرف مرا باور نمی کرد. سرانجام یک روز که کسی در خانه نبود، در حیاط خانه با او به جر و بحث پرداختم اما او باز هم به حرف هایم بی اعتنایی کرد و به همین دلیل من هم در حالت عصبانیت او را با چاقو به قتل رساندم.

انقلاب پرپرکت؟!

دکتر رشیدی اقتصاددان گفت: درآمد هر ایرانی از سال ۵۶ تاکنون تنها یک درصد افزایش یافته است. وی افزود: طی ۲۵ سال گذشته قیمت ها ۱۷۴ برابر شده است.

افزایش جرمه های رانندگی

براساس اعلام اداره راهنمایی و رانندگی نرخ ۹۰ درصد کدهای جرایم رانندگی تیرماه امسال افزایش یافته است. با این افزایش، سقف جرمه های رانندگی به ۳۵ هزار تومان می رسد.

قتل به جای منار که!

زنی که با همکاری مرد غریبه، شوهرش را کشته است یازدهم مرداد ماه محاکمه می شود. کتابی به معاونت در قتل همسرش متهم شده ولی در اظهارات خود مدعی است که همسرش بیگوار و معتاد بوده و او را وادار به خودکشی کرده و به همین خاطر در نقشه قتل او شرکت داشته است. در همین حال خانواده مقتول نیز می گویند این خود متهم است که مشکلات اخلاقی داشته! دادگاه درباره ارتباط کتابی با مرد غریبه هنوز حکمی نداده است. هم اینک دختران این زن زندانی، تحت قیومیت پدر او زندگی می کنند.

عبدالصمد خرمشاهی وکیل مدافع تسخیری متهم درباره پرونده موکلس گفت: موکلس می گوید قصد متارکه که از شوهرش را داشته اما به خاطر مشکلات اقتصادی اقداماتش بی نتیجه مانده است و همین امر در قتل همسرش اثر گذاشته. ضمنا او طی مدتی که در زندان به سر می برد موفق به قبولی در رشته حقوق در دانشگاه شده و به نظر می رسد در زندان اصلاح شده است. به همین خاطر امیدوارم حداقل ترین حکم مجازات برای او در نظر گرفته شود.

فراخوان عمومی تظاهرات به مناسبت سالگرد ۱۸ تیر جنبش دانشجویان ایران

مردم مبارز ایران جهت پشتیبانی و همکامی با جنبش رهائی بخش مردم ایران به ویژه جنبش دانشجویان برای فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار نظام مردمسالاری، به یکدیگر بیوندیم.

پیروزی مردم ایران علیه حکومت جهل و جنایت نزدیک است، پیروزی از آن ملت است.

زمان: جمعه ۸ جولای ۱۷،۲۰۰۵ تیر ۱۳۸۴ ساعت ۶ بعد از ظهر

مکان: منطقه وست وود، لوس آنجلس

کمیته برگزار تظاهرات سالگرد ۱۸ تیر

یک دانشجویی از مشاجره با یک مقام دانشگاهی اقدام به خودسوزی کرد

دانشجویی دانشگاه آزاد واحد سلماس خود را در محوطه دانشگاه به آتش کشید. به گزارش خبرنگاری ایسنا جعفر خلیلیان دانشجوی ترم آخر رشته مهندسی عمران درحالیکه با معاون آموزشی دانشگاه درگیری لفظی پیدا کرده بود، به بالای منبع آب دانشگاه رفت و پس از آتش کشیدن خود، به پایین سقوط کرد.

یکی از دانشجویان شاهد ماجرا گفت: این دانشجویی از مشاجره با معاون آموزشی دانشگاه اقدام به این کار کرده است. گفته می شود این دانشجو تقاضای انتخاب چند واحد تاستانی در دانشگاه دیگری به عنوان هممان را داشت که مورد موافقت معاونت آموزشی قرار نگرفته بود.

● به دنبال این حادثه جمعی از دانشجویان اقدام به تجمع در دانشگاه کردند. به گفته یکی از شاهدان حادثه، درحالیکه دانشجویان بر پاسخگویی معاون آموزشی دانشگاه اصرار می کردند، جوابی دریافت نشد. ولی تجمع دانشجویان دانشگاه آزاد سلماس که در بعد از ظهر روز یکشنبه صورت گرفت، همچنان ادامه دارد و این در حالیست که دانشجویان ضمن این تجمع مانع ورود خودروهای مسوولان به دانشگاه می شدند. آنها در این تجمع خواستار حضور معاون آموزشی دانشگاه و توضیحات وی در مورد حادثه بودند. جلالی، رییس دانشگاه آزاد سلماس نیز پاسخ به سولات را به بعد از روشن شدن قضایا موکول کرد.

زندانی معروف سیاسی روز پرویارویی با رهبر رژیم!

اکبر گنجی، روزنامه نگار زندانی ایرانی نامه ای خطاب به آزادگان جهان منتشر کرده و در آن هشدار داده است که اگر در زندان بمیرد، عامل و آمر قتل او، آیت الله خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی است.

● او می گوید: سعید مرتضوی، دادستان تهران به همسر او گفته است: مگر گنجی بمیرد چه خواهد شد؟ روزانه بیش از دهها نفر در زندانهای می میرند، گنجی هم یکی از آنها.

● اکبر گنجی نوشته که چنین سخنی از آیت الله خامنه ای است که از زبان آقای مرتضوی به گوش می رسد و مدعی شده که دادستان تهران از طریق علی اصغر جازانی، یکی از مسوولان بیست رهبری، به طور مستقیم از آیت الله خامنه ای دستور می گیرد.

● اصغر جازانی که سالها پیش معاون نیروی انسانی وزارت اطلاعات بوده در گزارشی که در خارج از ایران در ارتباط با سرکوب و قتل سازمان یافته ناراضیان سیاسی منتشر می شد و همچنین جزوه ای که بیش از چهار سال پیش با عنوان جزوه هشتاد صفحه ای انتشار یافت به عنوان فردی که از درون بیست رهبری در اعمال غیرقانونی بخشی از

چهره های سرشناس جناح اصلاحات و مشاوران خاتمی حضور احمدی نژاد را در گروگانگیری تکذیب کردند

با گذشت حدود ده هزار روز از اشغال سفارت آمریکا در تهران، بزرگترین چالش بین المللی تاریخ جمهوری اسلامی به داغی سال قیبل شده است.

● در شرایطی که برخی از گروگان سابق با استناد به عکسی از اشغال سفارت آمریکا در تهران ادعا کرده اند محمود احمدی نژاد در میان گروگانگیران بوده، حمیدرضا آصفی، سخنگوی وزارت خارجه ایران گفته است کذب بودن این اتهامات آشکارتر از آن است که وی بخواده نظری بیان کند.

● علاوه بر سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، برخی از چهره های اصلاح طلب که در سال از سرکردگان اشغال سفارت آمریکا بوده، تصریح کرده اند ششمین رئیس جمهور ایران در آن ماجرا هیچ نقشی نداشته است.

● گزارش بی بی سی سعید حجاریان، نظریه پرداز اصلاحات و مقامات سابق وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی، به خبرگزاری آسوشیتدپرس اعلام کرده است عکسی جعلی که به گفته شش نفر از گروگانهای سابق سفارت آمریکا احمدی نژاد را نشان می دهد، در حقیقت تصویر مردی است که بعدا به یکی از ناراضیان جمهوری اسلامی تبدیل شد و در سلول زندان خودکشی کرد.

● حجاریان افزوده است که احمدی نژاد در ابتدا مخالف گروگانگیری بود، زیرا عقیده داشت شیطان بزرگ اتحاد جماهیر شوروی سابق است، ولی بعد از آن که آیت الله خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی، اشغال سفارت آمریکا را انقلاب دوم نامید، وی نظرش را تغییر داد.

● همچنین معصومه ابتکار، معاون رئیس جمهور و رییس سازمان حفاظت محیط زیست که در ماجرای گروگانگیری نقش سخنگو را بر عهده داشت، منکر حضور محمود احمدی نژاد در این غائله شده است.

● خانم ابتکار گفته است: آقای احمدی نژاد قطعا جزو هسته مرکزی دانشجویان پیرو خط امام نبود. آنچه در رسانه های غربی دیدیم، اشاره ای ندارد که آقای احمدی نژاد جزو دانشجویان پیرو خط امام بود.

● اصلاح طلبان ایستاده، می گوید: همیشه اقتضای زمان آن بوده که در این مرحله نیز جزو اصلاح طلبان هستیم.

● کاخ سفید می گوید این اتهام را جدی می گیرد و درباره آن تحقیق می کند.

● بی بی سی گفت برخی از سیاستمداران اتریش نیز ادعا کرده اند آقای احمدی نژاد در ترور یک سیاستمدار کرد ایرانی (دکتر قاسملو رهبر حزب دموکرات کردستان ایران) در سال ۱۹۸۹ در وین دخالت داشته است، اما هم سعید حجاریان و هم علی ربیعی، مشاور رییس جمهور و عضو شورای عالی امنیت ملی، این اتهام را رد کرده اند.

● همچنین معصومه ابتکار، معاون رئیس جمهور و رییس سازمان حفاظت محیط زیست که در ماجرای گروگانگیری نقش سخنگو را بر عهده داشت، منکر حضور محمود احمدی نژاد در این غائله شده است.

● خانم ابتکار گفته است: آقای احمدی نژاد قطعا جزو هسته مرکزی دانشجویان پیرو خط امام نبود.

یک کلام

امتیازات!

رئیس قوه قضائیه گفت: خاتمی گره گشا بود!

- چقدر هم شیوه مالی او خوب است و همینطور هنر ماست مالیزاسیون مسائل مردمسالاری و همتش با ۸ سال حفظ نظام! مطلوب!

رئیس جمهور گفت: اسلام می تواند جهان را مطلوب بسازد!

- با همان کارهای ازم خاتمی، ملا عمر و برن لاد و الزرقاوی و آدمکش های اسلامی! قمار!

روزنامه توسعه نوشت: اصلاح طلبان سر در گریبان شکست دارند.

- بروند یقه خاتمی رئیس اصلاح طلبان را بچسبند که هستی و نیستی آنها را در قمار پر تقلب به رهبر معظم باخت!

تجربه!

هاشمی رفسنجانی گفت: گروه گرابی و قدرت طلبی سرآغاز شکست است.

- در انتخابات شکست خورد که لااقل تجربه ای پیدا کند! کجا؟

روزنامه سیاست روز نوشت: سرمایه های محلی (درآمد نفت و گاز) به کجا می رود؟

- مطابق دستور امام راحل ماه به ماه به در منازل اتحاد ملت می رود! بی تدبیری!

مصطفی معین گفت: جنبه دموکراسی خواهی را ادامه می دهیم!

- آن مه را لولو برد!

- فرصت داشتی ولی با حکم حکومتی زیر آب سرکار رازند! فقر!

روزنامه هم بستگی نوشت: خط فقر شهری ۲۵۰ هزار تومان است و خط فقر روستایی ۱۵۰ هزار تومان...

- ... و بیش از ۱۵ میلیون شهر و روستایی زیر خط فقر با بشکه نفتی ۹۰ دلار که ضربر دلار آن ۹۷۰ تومان است!

اطمینان!

نخست وزیر انگلستان گفت: رئیس جمهور جدید ایران منتظر ملایمت ما نباشد.

- این هم اطمینان خاطر دایی جان ناپلونی به احمدی نژاد!

وزیر نفت کابینه خاتمی به انتقادات رییس جمهور جدید و جناح او پاسخ داد

سوی رهبر ایران تنفیذ نشده است.

● وی گفته است: متاسفانه همه نفت را مصرف می کنند و همه هم به آن فحش می دهند که اقتصاد اخیر، ایران را به انزوا بی بین المللی بکشانند.

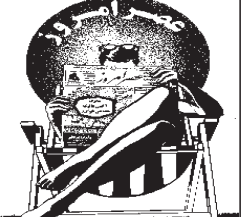
● زنگنه در آخرین روزهای وزارتش در مصاحبه ای با خبرنگاری دانشجویان ایران، ایسنا، به انتقاد از اصولگرایان پرداخته است. محمود احمدی نژاد، نامزد این جناح، در جریان رقابتهای انتخاباتی مدعی وجود فساد گسترده در وزارت نفت شد و بعد از پیروزی در انتخابات ۲۴ ژوئن گفت که وزارت نفت را از چنگ «مافیای خانوادگی نجات خواهد داد

● رییس جمهور جدید همچنین برخی از قراردادهای نفتی ایران با شرکتهای خارجی را غیر شفاف دانسته و خواستار افزایش نقش شرکتهای داخلی در طرحهای توسعه میدان نفت و گاز شده است.

● وزیر نفت کابینه خاتمی تفکر محافظه کاران تندرو جمهوری اسلامی را برای آینده ایران خطرناک دانست و گفت برخی در کشور قبول ندارند که ما باید یک کشور توسعه یافته برون گرا و در تعامل با جهان باشیم، بلکه جزیره بسته ای را خواهند که فقر را در آن توزیع کرده و فضا را در آن محدود و بسته نگه دارند.

بی بی سی می گوید اشاره آقای زنگنه به شعار انتخاباتی آقای احمدی نژاد است که قول داده ثروت نفت را میان ایرانیان تقسیم کند، ولی تاکنون برنامه روشنی برای تحقق بخشیدن به این وعده ارائه نکرده است.

● زنگنه هفته گذشته به عنوان اولین وزیر نفت در تاریخ جمهوری اسلامی ناگزیر شد گزارشی از عملکرد خود را به رییس جمهور منتخبی بدهد که هنوز حکمش از



ROLLOVER® - THE BEST DEAL IN WIRELESS

CINGULAR NAMED "2005 CARRIER OF THE YEAR" BY WIRELESS WEEK

cingular
raising the bar
Authorized Dealer

MOTOROLA V220

SONY ERICSSON S710a



VIDEO CAMERA PHONE
REAL MUSIC RINGTONES

ONLY FROM CINGULAR

Roll over your unused
Anytime Minutes,
so you're protected
from overage charges.

Your anytime minutes Rollover®
On Cingular GSM Nation plans
\$39.99 and higher

Rollover® does not apply to
Mobile-to-Mobile or Night & Weekend minutes



CAMERA PHONE
AOL® INSTANT MESSANGER™



*Cingular also imposes monthly a Regulatory Cost Recovery Fee of up to \$1.25 to help defray costs incurred in complying with State and Federal telecom regulation; a gross receipts surcharge; and State and Federal Universal Service charges. These are not taxes or government-required charges.

Limited-time offer expires 7/31/05. Other conditions and restrictions apply. See contract and rate plan brochure for details. Up to \$36 activation fee applies. Phone price and availability may vary by market. Sales tax calculated based on price of unactivated phone. Early Termination Fee: None if cancelled in first 30 days; thereafter, \$150. In addition to the \$150 early termination fee, the Cingular authorized agent running this ad also imposes an equipment charge of \$200 if service is cancelled more than 30 but less than 180 days after activation. Billing: Usage rounded up to the next full minute or kilobyte, at the end of each call or data session, for billing purposes. Cingular Nation: Cingular reserves the right to terminate your service if less than 50% of your usage over three consecutive billing cycles is on Cingular-owned systems. Customer must (1) use phone programmed with Cingular Wireless' preferred roaming database; (2) have a mailing address and live in the area in which subscription is made. Allover: Coverage not available in all areas. See coverage map at stores for details. More bars claim compares Cingular's network before to after merger. Nights and Weekends: 9 pm to 6 am Mon - Fri; weekends 9 pm Fri to 6 am Mon. Rollover Minutes: Unused Anytime Minutes expire after the 12th billing period. Night and Weekend and Mobile to Mobile Minutes do not roll over. Unlimited nationwide mobile to mobile available with plans starting at \$39.99 with one year agreement. AOL, Buddy List, the triangle design and the running man logo are registered trademarks of America Online, Inc. Instant Messenger is a trademark of America Online, Inc. ©2005 Cingular Wireless. All rights reserved.



کریمی در کوران امتحان «ماگات»



کلودیو پیزارو هم قرار است شنبه در تمرینات شرکت کند. بیست و یک روز پیشتر در تعطیلات می ماند. میشائل بالاک و بازیکن ملی پوش بایرن حاضر در مسابقات جام کنفدراسیون ها تا بیستم جولای در تمرینات حاضر نمی شوند.

روز یکشنبه ماگات و بازیکنانش به دامنه های آلپ می روند تا در کمپ روتاخ اگرن تمرین کنند. این دومین سالی است که بایرن به این مهم ترین کمپ تمرینی می رود. قسمت برنامه آماده سازی مونیخ در این ماه سفر پنج روزه به ژاپن در آخرین روزهای ماه است.

قهرمان بوندس لیگا اولین مسابقه خود را در چارچوب مسابقات فصل جدید در تاریخ پنجم آگوست مقابل بوروسیا مونشن گلاذباخ در خانه انجام می دهد.

کریمی، اسماعیل و سایر هم تیمی هایشان قطعاً تا آن موقع معنای اصطلاح عرقشون را در آورد راد رک می کنند. اهداف بلند ماگات فلیکس ماگات علی رغم مشکلاتی که در دوران تدارکاتی دارد طبق معمول اهداف بلندی دارد. او در این مورد گفت: ما به عنوان مدافع عنوان قهرمانی در دو جام حضور خواهیم یافت. انتظارات فوق العاده بالا هستند و ما می خواهیم از هر دو عنوان دفاع کنیم. در لیگ قهرمانان

سایت رسمی بایرن مونیخ علی کریمی و والرین اسماعیل بازیکنان جدید بایرن در تمرین صبح شنبه حاضر بودند اما اکثر بازیکنان ملی پوش باشگاه اولین جلسه تمرین تیم شان را که امسال به دنبال کسب مجدد عنوان قهرمانی در آلمان و تلاش برای به دست آوردن لیگ قهرمانان اروپاست، را از دست دادند.

فلیکس ماگات و سایر اعضای کادر فنی در ساعت ۱۰ صبح منتظر گروه کوچکی از بازیکنان در شاینر اشتراسه بودند تا اولین تمرین تیم را انجام دهند. به جز کریمی و اسماعیل سایر بازیکنانی که پس از رفتن به تعطیلات تابستانی قرار بود در این تمرین حاضر باشند ویلی سانپول، مهمت شول، اوون هارگریوز، توبیاس راتو و میشل رنسینگ بودند. آندریاس گولتریز و فیلیپ لام هم بر سر جلسه تمرین حاضر شدند اما از آن جایی که هر دو دوران بازی پروری پس از عمل جراحی زانو را می گذرانند در تمرین شرکت نکردند.

حسن صالحی حمید زیچ، روی ماکی، روکه سانتاکروز و پائولو گروو روز دوشنبه به تمرینات ملحق می شوند.

جام کنفدراسیونها کلاسی بزرگ برای فوتبال ایران



ما در جام کنفدراسیونها غایب بودیم، اما ۱۱ ماه بعد در جام جهانی در همان محل (آلمان) حاضریم. بنابراین، درسهایی آنجا شامل فوتبال ما هم می شود:

* فوتبال از حدود و ثغور مرزها گذشته و متعلق به هر کشوری است که در این عرصه کار کند. ممکن است مثل جام کنفدراسیونها باز هم برزیزل قهرمان شود و اگر در این جام ۴ گل به آرژانتین زد، فردا ۵ گل به انگلیس و اسپانیا هم بزند، اما اگر نترسید و شورشکار باشید، مثل ژاپن می توانید از آنها تساوی ۲-۲ هم بگیرید. این همان ژاپنی است که چندی پیش ۲-۱ به ما باخت.

* تونس و استرالیا حضور بدی نداشتند، اما مکزیک از همه فراتر رفت و در نیمه نهایی حشش پیروزی بر آرژانتین بود و در بازی رده بندی نیز سه گل به میزبان زد و اگر دقت داشت، آلمان را در ۹۰ دقیقه می برد. مکزیک کمال آرزوی تیمهایی مثل ما است که پیشینه ای درخشان ندارند، اما لیاقت فنی دارند و اگر آن را با شهامت ادغام کنند، در جام کنفدراسیونها به نیمه نهایی می رسند و در جدول فیفا دو سال در جمع ۱۰ تیم برتر جهان بیثوته می کنند.

* جوان گرایی اصل حاکم بر تیمها و بویژه آلمان و اسپانیا است. تیمی که به پنهان کسب نتایج آبرومندانه دائمی با مسن ها تکیه کند، آینده ای ندارد. درست است که آلمان با موج گسترده رابوتز در تیم کسب کرد، اما با متساکر، همتزلس پرگر، هوت، شواین اشتایگر و بودولسکی فردای فوتبالش را ساخت. قابل توجه ایوانکوویچ که معمولاً فقط نامداران و «دلخواه» های خود را می بیند.

* فوتبال هنوز و همیشه فقط یک «بازی گروهی» و شرط موفقیت در آن نیز رعایت همین مسأله است. اما آیا اعجازهای فردی رونالدینیو و آدریانو و سی سینیو را در برزیزل، ریکلمه را در آرژانتین، بورگتی را در مکزیک و بالاک را در آلمان دیدید؟ بدون آنها فوتبال چه می شد؟ آیا بایرنی ها فوتبال درخشان اما فاقد

هم ماگات می خواهد نتیجه بهتری از فصل گذشته که تیمش در مرحله یک چهارم مقابل چلسی حذف شد بگیرد؛ ما فصل گذشته کمی بدشانس بودیم. این بار هدفمان راهیابی به دیدار نهایی است. با این تیم می توان به این سه هدف رسید.

ماگات می گوید تیمش در اول فصل شرایط ایده آلی نخواهد داشت، اما او در عین حال ادعا کرد که فصل خواهیم یافت. انتظارات فوق العاده بالا هستند و ما می خواهیم از هر دو عنوان دفاع کنیم. در لیگ قهرمانان

نگران این نتیجه نیستیم و برعکس فکر می کنم در کل این مسابقات به نتایج قابل قبولی رسیدیم و اگر در فینال فوتبال جام کنفدراسیونها جام کنفدراسیونها، بلکه در فستیوال عظیم جام جهانی انجام خواهد داد؟ چه آرزوی شیرینی!

* پری برا: برزیزل در جام جهانی هم قهرمان می شود

۴۸ ساعت پس از پیروزی قاطعانه ۴-۱ تیم ملی برزیزل بر آرژانتین در فینال فوتبال جام کنفدراسیونها ۲۰۰۵ در شهر فرانکفورت آلمان، کارلوس آلبرتو پری پرا مربی برزیزل گفت: این تیم توان فتح مجدد جام جهانی در سال آینده را نیز دارد.

پری پرا که تیمش با دو گل از آدریانو و تک گل هایی از رونالدینیو و کاکا این مسابقه را برد و برای دومین بار به افتخار فتح این جام رسید، افزود: «مهمتر از قهرمانی، تجربیات زیادی بود که در کشور محل برگزاری دوره بعدی جام جهانی به آن دست یافتیم. ما سیستم های مختلفی را امتحان و از جوانان متعددی نیز در ترکیب تیم سود جستیم و نتیجه آن را نیز به تدریج و پس از لرنشهای اولیه گرفتیم.»

خوزه پکرهم مربی آرژانتین که تیمش با این باخت به گونه ای تقاص پیروزی ۳-۱ بر همین رقیب در رقابتهای اخیر (خردادماه) دور مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۶ را پس داد، قبول نکرد که شکست هولناکی را متحمل شده است. «من اصلاً

بزرگداشت حقارت آمیز

رجبی، فرزام نیا، مراغه چیان و آن یکی «ها جز در سالگردها و به مناسبت ها به یاد نمی آیند. این استقلال است و این فوتبال ماست که اگر در باشگاهش بگردید نشانی از افتخارات باشگاه نخواهید یافت و معاون فرهنگی اش از فرهنگ همین را فضیلت می داند که تاریخ این باشگاه را در ۲۵ سال اخیر خلاصه کند.



همین هم می شود که بزرگداشت جعفر مختاری فر و عباس سرخاب، بزرگداشت نعلچگر که در روزهای اوج شان که در روزهای گمنامی و پیرشانی برگزار می شود تا هیچ کس را قطره اشکی در چشم نیآورد. از آن ورزشگاه های بلالاب از جمعیت به هر هنرمندی این اسم ها غریبی از شادی و هیجان می کشید همین هزار نفر به ورزشگاه آمده اند تا آبرو و غرور را برای باشگاه بزرگ معنایی کوچک ببخشند. در روز گرم تابستانی بی آنکه همچون بزرگ ترین باشگاه های دنیا باشگاه فهرستی از مفاخرش را بخواند و هزاران هزار طرفدار ببینند تا به همه چیز شکوهی بیش از پیش بدهند، مراسمی کوچک و حسرت برانگیز برگزار می شود و تمام می شود تا مدیران بتوانند بر سیاهه کارنامه شان قلمی دیگر بیفزایند. حریف جز نامی دهان پرکن ندارد. بازیکنانی که جمع شده اند تا برای باشگاهشان را جز از طریق فیلم های رنگ و رو رفته آرشنیو که گهگداری از تلویزیون به نمایش در می آید نمی شناختند.

از استقلال دهه که هر بازی اش موجی از جمعیت را به استادبوم می کشاند جز چند چهره باقی نمانده اند. امیر قلعه نویی، بابازاده و ... از قدیمی ترهایش حجازی و از آخری ها مرفاوی.

دیگر کسی شاهرخ و شاهین را به یاد نمی آورد. شکورزاده و مجید نامجمولق به خاطر ها پیوسته اند و

پنجشنبه گذشته جعفر مختاری فر در ورزشگاه آزادی حاضر شد تا به پاسی تمام سال های پرشوری که با استقلال گذرانده است، آخرین دور افتخار را بزند. تائرانگیز بود. ورزشگاه خالی از جمعیت دیگر هیچ نشانی از روزهای پر هیاهویی نداشت که استقلالی ها نام جعفر را به عنوان یکی از «خدایان» فریاد می زدند و با هر فرار او استادبوم را می لرزاندند. سال ها گذشته بود و آن چند نفری که استقلال آنقدر برایشان مهم بود که برای چنین بازی محقری راه سخت استادبوم آزادی را بر خود هموار کنند، اغلب چنان جوان بودند که با دیدن اسطوره های قدیمی دست و دلشان به هیچ لرزشی نیفتاد. آنها از جعفر مختاری فر و عباس سرخاب جز نامی نشنیده بودند و غول های باشگاهشان را جز از طریق فیلم های رنگ و رو رفته آرشنیو که گهگداری از تلویزیون به نمایش در می آید نمی شناختند.

تمام بازیکنان این فصل هانوفر در اولین بازی دوستانه این تیم در آغاز دوران آماده سازی اش شرکت کردند. هانوفر در اولین بازی دوستانه و تدارکاتی خود مقابل تیم آمانور بنفیز اشیلیل به پیروزی چهارده بر صفر دست یافت. گلزنی وحید هاشمیان، چادار یانکوف و هانو بالی تیش بازیکنان جدید هانوفر در این بازی خوشحال کننده بودند. اما مؤثرترین بازیکن هانوفر مو ادیسو بود که به تنهایی چهار گل برای تیمش به ثمر رساند.

این بازی ۲۶۵۰ تماشاگر داشت که یکی از آنها چهره مشهوری بود؛ نیکلاس کیفر ستاره تنیس آلمان میهمان ویژه این بازی بود. عواید این بازی دوستانه به خانواده مربی مجموعه ورزشی آلم، مهدی کردیان، که اخیراً در گذشته است تعلق گرفت. بازماندگان مهدی کردیان عواید این بازی را که حدود ۲۰ هزار یورو بود دریافت کردند.

حذف پاسط توسط صباباتری

مجیدجلالی مربی سابق پاس انتقام خود را از تیم قبلی خود گرفت

در مشهد همان اتفاقی افتاد که انتظار می رفت. حساب و کتابهای قبلی نشان می داد تیمی که در تهران از پس پرسپولیس برآمده است، می تواند پیکان را در بازی خانگی از پای درآورد. گل دقیقه پایانی نیمه اول که توسط صلابی به ثمر رسید، برای سیاهپوشان خراسانی کافی بود تا این تیم را به نیمه نهایی برساند و برای رسیدن به فینال روانه شیراز و دیدار با فجر سپاسی نماید، اما در ورزشگاه درخشان صباباتری قضیه برعکس شد. پاسی ها در این ورزشگاه دوبار خود را از زیر سایه میزبان بیرون کشیدند تا امیدهای خود را برای صعود از دست ندهند، اما تیمی که هفته پیش به دست مجید جلالی، مربی پیشین پاس سپرده شده بود و همه فوتوفن و تواناییهای بازیکنان پاس را مثل کف دست می شناخت و برای آماده سازی

صباباتری روی ضربه های ایستگاهی کار کرده بود، ابتدا در دقیقه ۶ در پی ضربه کرنر سلطانی و دخالت بختیاری زاده به گل رسید. پاسی این گل را در دقیقه ۱۹ و در پی یک شلیک دقیق از ایمان رزافی راد جبران کرد. صباباتری که هیچگاه برهانی را راحت نگذاشت، در دقیقه ۳۰ و در پی یک ضدحمله بار دیگر پیش افتاد، اما این گل هم در دقیقه ۵۴ و در پی یک فشار طولانی و پرتعداد خشتی شد، اما چه سود که پاسی ها دوبار روی مهاجمان صباباتری که حمله را بهترین راه پیروزی می دانستند، پناحتی دادند. دو ضربه پناحتی زیبا از علی دایی در دقایق ۶۱ و ۹۲ کافی بود تا حکومت آخرین نسل بزرگان در جام حذفی منقرض شود. حالا صباباتری در خانه خود در همین ورزشگاه، منتظر می ماند تا استقلال اهواز را در نیمه نهایی دیدار کند.

گلزنی هاشمیان در آلمان

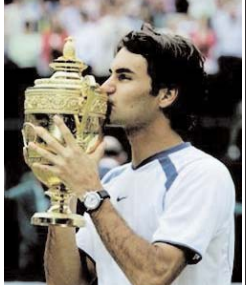


تیمس جهان را در سه دوره متوالی به سود خود پایان بخشیده است. فدر در دست اول دست نیافتنی بود. در دست دوم رادیک کار او را دشوار کرد، اما تنیسور مسلط سوئیسی این ست را هم روی تالی بریک برد و حتی ریزش باران و تاخیر افتادن در ست سوم نیز نتوانست او را متوقف کند و فدر با یک بار بریک کردن سوئیس رادیک در این ست گل مسابقه را تمام کرد. تنیسور آمریکایی سال پیش هم در فینال به فدرور باخته بود و حالا مثل لیتون هیوویت استرالیایی به یک همیشه مغلوب در برابر حریف فکور سوئیسی اش بدل شده است. برای فدر این پیروزی بسیار حساس و لازم بود. زیرا او هر دو گرنداسلم اول سال را شکست داد تا برای سومین سال متوالی قهرمان شود و حکومت خود را بر جهان تنیس تثبیت کند. این ابرتنیسور ۲۴ ساله سوئیسی با این پیروزی به بیورن بورگ سوئدی و پیت سمپراس آمریکایی پیوست و مانند آنها تنها کسی شد که در دوران معاصر (و موسوم به عصر آموزش شنا، شیرجه و نجات غریق زیر نظر عباس خلیقی مربی در جه یک بین المللی و تیم ملی ایران باشنا صاحب بدنی زیبا و متناسب خواهید شد

راجر فدرر تنیسور اول مردان جهان در فینال ویمبلدون ۲۰۰۵ با ارائه نمایشی کم نقص حریف نامدار آمریکایی اش اندی رادیک را در سه ست متوالی با ۶-۲، ۶-۲ و ۶-۴ شکست داد تا برای سومین سال متوالی قهرمان شود و حکومت خود را بر جهان تنیس تثبیت کند. این ابرتنیسور ۲۴ ساله سوئیسی با این پیروزی به بیورن بورگ سوئدی و پیت سمپراس آمریکایی پیوست و مانند آنها تنها کسی شد که در دوران معاصر (و موسوم به عصر آموزش شنا، شیرجه و نجات غریق زیر نظر عباس خلیقی مربی در جه یک بین المللی و تیم ملی ایران باشنا صاحب بدنی زیبا و متناسب خواهید شد

پیروزی قاطع فدر در ویمبلدون

اوپن) مطرح ترین گرنداسلم تنیس جهان را در سه دوره متوالی به سود خود پایان بخشیده است. فدر در دست اول دست نیافتنی بود. در دست دوم رادیک کار او را دشوار کرد، اما تنیسور مسلط سوئیسی این ست را هم روی تالی بریک برد و حتی ریزش باران و تاخیر افتادن در ست سوم نیز نتوانست او را متوقف کند و فدر با یک بار بریک کردن سوئیس رادیک در این ست گل مسابقه را تمام کرد. تنیسور آمریکایی سال پیش هم در فینال به فدرور باخته بود و حالا مثل لیتون هیوویت استرالیایی به یک همیشه مغلوب در برابر حریف فکور سوئیسی اش بدل شده است. برای فدر این پیروزی بسیار حساس و لازم بود. زیرا او هر دو گرنداسلم اول سال را شکست داد تا برای سومین سال متوالی قهرمان شود و حکومت خود را بر جهان تنیس تثبیت کند. این ابرتنیسور ۲۴ ساله سوئیسی با این پیروزی به بیورن بورگ سوئدی و پیت سمپراس آمریکایی پیوست و مانند آنها تنها کسی شد که در دوران معاصر (و موسوم به عصر آموزش شنا، شیرجه و نجات غریق زیر نظر عباس خلیقی مربی در جه یک بین المللی و تیم ملی ایران باشنا صاحب بدنی زیبا و متناسب خواهید شد



آموزش شنا، شیرجه و نجات غریق زیر نظر عباس خلیقی مربی در جه یک بین المللی و تیم ملی ایران باشنا صاحب بدنی زیبا و متناسب خواهید شد

با ۱۰ ساعت تمرین شنا آبایموز و دوحق التعليم آزاد ارنهای کلاس پرداخت کنید

آموزش نجات غریق در ۵ جلسه

آموزش شیرجه بصورت نیمه حرفه ای ۱۵ جلسه

تلفن: ۱۷۲۵-۱۷۲۶-۸۱۸

Shir International
Majid Barghi & Son's Company

خدمات ساختمانی

ومدیریت آپارتمان بیلدینگ

WWW.shir-international.com

انجام هرنوع کارهای ساختمانی داخل و خارج ، بزرگ و کوچک

در هر نقطه از سی آنجلسی باقیمت بسیار مناسب و کیفیت کار عالی با گارانتی صد درصد

۳۱۶۰-۹۷۸-۳۱۰ PAGER

۹۴۰۸-۶۴۴-۳۱۰ OFFICE

۵۹۴۱-۶۷۸-۳۱۰ CEL

آموزش شنا، شیرجه و نجات غریق

زیر نظر عباس خلیقی مربی در جه یک بین المللی و تیم ملی ایران باشنا صاحب بدنی زیبا و متناسب خواهید شد

با ۱۰ ساعت تمرین شنا آبایموز و دوحق التعليم آزاد ارنهای کلاس پرداخت کنید

آموزش نجات غریق در ۵ جلسه

آموزش شیرجه بصورت نیمه حرفه ای ۱۵ جلسه

تلفن: ۱۷۲۵-۱۷۲۶-۸۱۸

محض اطلاع

گفته ها

محض اطلاع

شنیده ها

محض اطلاع

خواننده ها



فیلم، باعیتقه؟

ابراهیم حاتمی کیا یکی از مبتکران دکانی در سینما به نام "دفاع مقدس" است و خود او چند فیلم پر آکشن و عاطفی نیز ساخته ولی در فیلم اخیرش با شکایت سازمان میراث فرهنگی (آثار باستانی) روبرو شده.

بنایه گزارش خبرگزاری رژیم، حاتمی کیا به همراه گروه فیلمبرداری تازه ترین فیلمش در تپه ای باستانی حوالی روستایی به نام "موندنی" در شمال شوشتر دست به حفاری زده است.

عمق خاکبرداری

در این تپه باستانی که به دوره ایلامی برمی گردد و حفاری های بسیاری انجام گرفته، عمق خاکبرداری از این تپه به حدی است که بسیاری از سفال های مربوط به دوره ایلامی و اسلامی در اطراف این تپه پراکنده شده است. اهالی روستا می گویند گروه فیلمبرداری حاتمی کیا مقداری پول به یکی از زمین داران روستای "موندنی" پرداخته اند تا بتوانند به کارشان ادامه دهند، از طرفی گروه فیلمبرداری نیز ادعا کرده اند برای

فعالیت در محوطه روستا مجوز داشته اند. کارشناس حقوقی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان خوزستان تمامی موارد گفته شده را تأیید کرد و ضمن اعتراض و متهم کردن حاتمی کیا به تخریب تپه باستانی روستای موندنی گفت: همه کسانی مثل حاتمی کیا می گویند مجوز داریم، اما مجوز فیلمبرداری با فعالیت در محوطه تاریخی فرق دارد.

حال و احوال!

دو تا خانم بعد از مدت ها به یکدیگر رسیدند و بعد از احوال پرسی اولی از دومی پرسید: راستی شوهرت هنوز شب ها توی خواب راه می رهد؟ دومی گفت: نه دیگه! پرسید: پس خوب شده؟ اولی گفت: نه داشت روی پشت بام راه می رفت و پرت شد و مرد!

عاشقی و مشتاقی!

یکی می گفت: دنیای وارونه ایته.

هم وطنی شعر مفصلی برای طرف مربوطه اش گفته و ما فقط چند بیت آن را نقل می کنیم: به نگاهی دل، عاشق ببرد او! دو تا نرگس دلجو شو برم! اساق و سیمین و دوزانو شو ببین! آب افتد دهن پیر و جوان! گر بگویم که دو لیمو شو برم!

خاکی و آسفالت!

به همشهری ما گفتند: پشت کت ات خاکیه! جواب داد: بعدا میرم آسفالتش می کنم!

از شکم سیری!

دو تا گرسنه همیشگی به هم رسیدند. رسیدند و بعد از احوال پرسی اولی از دومی پرسید: راستی شوهرت هنوز شب ها توی خواب راه می رهد؟ دومی گفت: نه دیگه! پرسید: پس خوب شده؟ اولی گفت: نه داشت روی پشت بام راه می رفت و پرت شد و مرد!

دنیای وارونه!

یکی می گفت: دنیای وارونه ایته.

Advertisement for SUPER VISION OPTICAL EYEWEAR SUPPLIERS. Includes a photo of a man and contact information: 210 South Robertson Blvd Beverly Hills Ca 90211, Tel: (310) 623-4848.



مردم در قدیم به زور بازو زندگی می کردند ولی امروزه روز به روز زور اعصاب...

توصیه شوفرانه!

مسافر به راننده تاکسی گفت: چه خبرته این قدر تند میری اونم سری پیچ ها... راننده گفت: خانم اگه می ترسی تو هم می تونی این جور موقع ها مثل من چشمهاتو بندنی!

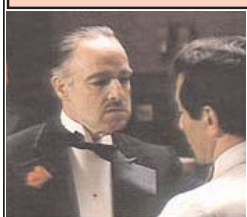
حال و احوال!

یکی تلفن زد به همشهری ما و گفت: جای خانم خالی نباشه که رفته مسافرت، حالا چکار می کنی؟ جواب داد: استراحت!

Advertisement for 'Rostvan Bork Sبز' (Rostvan Bork Green). Text: 'بهبترین موادغذائی آماده پذیرائی از میهمانان شما در رستوران و یاد منزل شماست. 14929 Magnolia Blvd., Sherman Oaks, CA 91403 (818) 386-9672'

Advertisement for 'Café Trottoir'. Text: 'پاتوق جوانهای با حال دیروزو امروز انواع ساندویچ های خوشمزه ایرانی کباب کوبیده و جوجه کباب قلیان - اینترنت و لاتاری کیتینگ برای میهمانی های شما پذیرفته میشود. 20115 ShermanWay Winnetka, Ca 91306 818 349-7686'

چوب حراج به زندگی پدرخوانده



بخشی از لوازم شخصی مارلون براندو، بازیگر فقید سینمای آمریکا، روز پنجشنبه ۳۰ ژوئن در حراجی کریستی در نیویورک فروخته شد. بیش از ۳۰۰ قطعه از اموال شخصی این بازیگر که سال گذشته درگذشت، از جمله فیلمنامه پدرخوانده و کارتهای اعتباری او به حراج گذاشته شده بود. مجموعه اموال شخصی براندو از جمله نامه ها، جوایز و اثاثیه خانه در این حراجی حدود ۷۳ میلیون دلار فروخته شد که انتظار می رفت که کل این آثار حدود یک میلیون دلار فروخته شود. فیلمنامه پدرخوانده به قیمت ۳۱۲ هزار دلار فروخته شد و به گفته حراجی کریستی این بالاترین قیمتی است که برای یک فیلمنامه در یک حراجی پرداخت شده است. فیلمنامه بریاد رفته متعلق به کلارک گیبل پیش از فیلمنامه پدرخوانده، گرانترین فیلمنامه ای بود که در یک حراجی خریده شده بود. این فیلمنامه در سال ۱۹۹۶، ۲۴۴ هزار دلار فروخته شد. هم از جمله آثار حراجی بود. مارلون براندو ستاره افسانه ای سینما روز جمعه ۲ ژوئیه ۲۰۰۴ در سن ۸۰ سالگی پس از مدت‌ها بیماری در بیمارستانی در لس آنجلس درگذشت.

نخستین قاضی زن دیوان عالی آمریکا استعفا داد



سندرا دی اوکانر، نخستین زنی که ۲۴ سال قبل به عضویت در دیوان عالی آمریکا، بالاترین مرجع قضایی این کشور درآمد، روز جمعه در اقدامی غیرمنتظره بازنشستگی خود را اعلام کرد. از آنجا که این دادگاه درباره برخی از مهمترین مسائل اجتماعی آمریکا همچون سقط جنین تصمیم می گیرد، کارشناسان جدال سختی را برای تعیین جانشین خانم اوکانر پیش بینی می کنند. خانم اوکانر که ۷۵ سال دارد اغلب با رای خود نقشی سرنوشت ساز در مهمترین دعاوی حقوقی بازی کرده است، به همین جهت برخی ناظران او را قدرتمندترین زن آمریکا لقب داده اند. اعضای دیوان عالی آمریکا، شامل ۹ نفر، توسط روسای جمهور به طور مادام العمر انتخاب می شوند اما نامزدی آنها ابتدا باید به تایید مجلس سنا برسد. لزوم تایید نامزدهای عضویت در دیوان عالی توسط سنا باعث می شود افرادی ترین قضات با مقاومت حزب مخالف روبرو شده و از ورود به این دادگاه منع شوند که توازنی عقیدتی در آن ایجاد می کند. از سال ۱۹۹۴ تاکنون هیچ یک از قضات دیوان عالی بازنشسته نشده بودند و اکنون جورج بوش برای اولین بار در دوران ریاست جمهوری اش فرصت یافته است قاضی دلخواه خود را در این دادگاه منصوب کند. این سیاستمدار سابق اهل آریزونا که از سوی رونالد ریگان نامزد دیوان عالی شده بود در سال ۱۹۸۱ در این دادگاه صاحب کرسی شد. پرزیدنت بوش در بیانیه ای که در محوطه کاخ سفید قرائت کرد از خانم اوکانر به عنوان یک قاضی

لوئر وندراس خواننده خوش آوای آمریکایی درگذشت



لوئر وندراس خواننده آهنگ های سبک Soul در سن ۵۴ سالگی درگذشته است. وی در سال ۲۰۰۳ دچار سکته شدید مغزی شده بود اما همچنان به ضبط آهنگ ادامه داد و سال گذشته درحالی که روی صندلی چرخدار نشسته بود چهار جایزه Grammy دریافت کرد. او در دوران زندگی حرفه ای خود آهنگ های 'Give Me The Reason' و 'Love Won't Let Me Wait' ساخت و همچنین برنده چهار جایزه Grammy به عنوان بهترین خواننده مرد سبک RB شد. وندراس که مجموعاً ۲۵ میلیون آلبوم فروخت دارای سبکی منحصر به فرد بود و در خواندن آهنگ های عاشقانه تخصص داشت. رابرت کاوانا سخنگوی بیمارستانی که وی در آن بستری بود گفت لوئر وندراس در آرامش در مرکز پزشکی جی اف کی در نیوجرسی زیر نگاه مراقب دوستان، خانواده و تیم پزشکی مراقب درگذشت. وی افزود: لوئر وندراس دو سال قبل دچار سکته مغزی شد اما هرگز از عواقب آن راهایی نیافت. لوئر به شدت تحت تاثیر حس همدردی و غمخواری طرفدارانش قرار گرفت. وندراس پس از آنکه در آوریل ۲۰۰۳ در آپارتمانش در نیویورک دچار سکته مغزی شد، هرگز در برابر انتظار عمومی ظاهر نشد با این حال سال بعد چندین جایزه گرمی برد. وی به خاطر صدایی پخته و مخملی با آهنگ های عاشقانه و آرزومندانه ای که یادآور دورانی شاعرانه تر بود مشهور شد. وی یک بار گفت: من بیشتر اهل شعر و استعاره ام و کاملاً ترجمیم می دهم حرف هایم را به طور ضمنی

Advertisement for 'ماساژ توسط زیبای ایرانی مر سده (818) 345-3052'

Advertisement for 'هیچ بستنی و پالوده ای، بستنی و پالوده گل و بلبل همیشه آدرس: وست وود تلفن: ۲۱۲۱-۴۷۰۰ (۳۱۰) شعبه دوم ۱۱۶۲۸ سانتامونیکا'